

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7  
ابزارهای مالی: افشا

## فهرست مندرجات

<u>از بند</u>	هدف
1	دامنه کاربرد
3	
6	طبقات ابزارهای مالی و سطح افشا
7	اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت و عملکرد مالی
8	صورت وضعیت مالی
8	طبقات داراییهای مالی و بدهیهای مالی
9	داراییهای مالی یا بدهیهای مالی اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی
12	تفاوت داراییهای مالی و بدهیهای مالی
13 الف	وثیقه
14	حساب ذخیره کاهش ارزش بابت زیانهای اعتباری
16	ابزارهای مالی مرکب دارای ابزارهای مشتقه تعبیه شده متعدد
17	نکول و نقض
18	صورت سود و زیان جامع
20	اقلام درآمد، هزینه، سود یا زیان
21	سایر موارد افشا
21	رویه‌های حسابداری
25	ارزش منصفانه
31	ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی
33	افشای کیفی
34	افشای کمی
36	ریسک اعتباری
39	ریسک نقدینگی
40	ریسک بازار
42 الف	انتقال داراییهای مالی
42 ت	داراییهای مالی انتقال یافته‌ای که به طور کامل قطع شناخت نشده‌اند
42 ث	داراییهای مالی انتقال یافته‌ای که به طور کامل قطع شناخت شده‌اند
42 ح	اطلاعات تکمیلی
43	تاریخ اجرا و گذار
45	کنارگذاری استاندارد بین‌المللی حسابداری 30 پیوستها

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7  
ابزارهای مالی: افشا

الف اصطلاحات تعریف شده  
ب رهنمود بکارگیری

## استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7

ابزارهای مالی: افشا

### هدف

1. هدف این استاندارد، الزام واحدهای تجاری به ارائه افشا در صورتهای مالی آنها است تا استفاده‌کنندگان بتوانند موارد زیر را ارزیابی کنند:

الف. اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری؛ و

ب. ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی که واحد تجاری طی دوره و در پایان دوره گزارشگری در معرض آنها قرار دارد و نحوه مدیریت این ریسکها توسط واحد تجاری.

2. اصول مندرج در این استاندارد، مکمل اصول شناخت، اندازه‌گیری و ارائه داراییهای مالی و بدهیهای مالی طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 ابزارهای مالی: ارائه و استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری می‌باشد.

### دامنه کاربرد

3. این استاندارد باید توسط تمام واحدهای تجاری، برای انواع ابزارهای مالی به جز موارد زیر، بکار گرفته شود:

الف. منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته یا مشارکتهای خاص که حسابداری آنها طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10 صورتهای مالی تلفیقی، استاندارد بین‌المللی حسابداری 27 صورتهای مالی جداگانه یا استاندارد بین‌المللی حسابداری 28 سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری وابسته و مشارکتهای خاص انجام می‌گیرد. با وجود این، در برخی موارد، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10، استاندارد بین‌المللی حسابداری 27 یا استاندارد بین‌المللی حسابداری 28، واحد تجاری را ملزم یا مجاز می‌کند که حسابداری منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته یا مشارکتهای خاص را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 انجام دهد؛ در چنین مواردی، واحدهای تجاری باید الزامات این استاندارد را بکار گیرند و برای ابزارهایی که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شوند، الزامات استاندارد بین‌المللی

گزارشگری مالی 13 اندازه‌گیری ارزش منصفانه را رعایت کنند. همچنین، واحدهای تجاری باید این استاندارد را برای تمام ابزارهای مشتقه وابسته به منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته یا مشارکتهای خاص بکار گیرند مگر اینکه ابزار مشتقه، تعریف ابزار مالکانه طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز کند.

ب. حقوق و تعهدات کارفرمایان، ناشی از طرحهای مزایای کارکنان، که استاندارد بین‌المللی حسابداری 19 مزایای کارکنان در مورد آنها کاربرد دارد.

پ. [حذف شد]

ت. قراردادهای بیمه طبق تعریف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 قراردادهای بیمه. با این وجود، این استاندارد در صورتی برای ابزارهای مشتقه تعبیه شده در قراردادهای بیمه کاربرد دارد که استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 واحد تجاری را ملزم کرده باشد آنها را جداگانه در نظر بگیرد. افزون بر این، در صورتی که ناشر، استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 را برای شناخت و اندازه‌گیری قراردادهای تضمین مالی بکارگیرد، باید الزامات این استاندارد را برای آن قراردادهای رعایت کند، اما چنانچه ناشر طبق بند 4(ت) استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 را برای شناخت و اندازه‌گیری آنها انتخاب کند، باید استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 را بکار گیرد.

ث. ابزارهای مالی، قراردادهای و تعهدات مربوط به معاملات پرداخت مبتنی بر سهام که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 2 پرداخت مبتنی بر سهام در مورد آنها کاربرد دارد، مگر اینکه این استاندارد برای قراردادهایی که در دامنه کاربرد بندهای 5 تا 7 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 قرار می‌گیرند، بکار گرفته شود.

ج. ابزارهایی که طبق بندهای 16 الف و 16 ب یا بندهای 16 پ و 16 ت استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، باید به عنوان ابزارهای مالکانه طبقه‌بندی شوند.

4. این استاندارد برای ابزارهای مالی شناسایی شده و شناسایی نشده کاربرد دارد. ابزارهای مالی شناسایی شده، شامل داراییهای مالی و بدهیهای مالی است که در دامنه

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7  
ابزارهای مالی: افشا

کاربرد استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 قرار می‌گیرد. ابزارهای مالی شناسایی نشده، شامل برخی ابزارهای مالی است که اگرچه خارج از دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 هستند، اما در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند (مانند برخی تعهدات وام).

5. این استاندارد، در مورد قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی که در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 قرار می‌گیرند، کاربرد دارد (به بندهای 5 تا 7 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مراجعه شود).

5الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

### طبقات ابزارهای مالی و سطح افشا

6. در مواردی که این استاندارد، افشا برحسب طبقه ابزارهای مالی را الزامی می‌کند، واحد تجاری باید ابزارهای مالی را در طبقاتی که متناسب با ماهیت اطلاعات افشاشده است و ویژگیهای آن ابزارهای مالی را مدنظر قرار می‌دهد، گروه‌بندی کند. واحد تجاری باید اطلاعات کافی ارائه کند تا امکان تطبیق با اقلام اصلی ارائه شده در صورت وضعیت مالی فراهم شود.

### اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت و عملکرد مالی

7. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که استفاده‌کنندگان صورتهای مالی بتوانند اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری را ارزیابی کنند.

#### صورت وضعیت مالی

#### طبقات داراییهای مالی و بدهیهای مالی

8. مبالغ دفتری هر یک از طبقات زیر طبق تعریف استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، باید در صورت وضعیت مالی یا در یادداشتهای توضیحی افشا شود:

الف. داراییهای مالی اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره به تفکیک (1) داراییهایی که در زمان شناخت اولیه به طبقه ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص یافته‌اند و (2) طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، به عنوان نگهداری شده برای مبادله طبقه‌بندی شده‌اند؛

ب. سرمایه‌گذارهای نگهداری شده تا سررسید؛

پ. وامها و دریافتنی‌ها؛

ت. داراییهای مالی آماده برای فروش؛

ث. بدهیهای مالی اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره به تفکیک، (1) بدهیهایی که در زمان شناخت اولیه به طبقه ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص یافته‌اند و (2) طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، به عنوان نگهداری شده برای مبادله طبقه‌بندی شده‌اند؛ و

ج. بدهیهای مالی اندازه‌گیری شده به بهای مستهلک شده.

داراییهای مالی یا بدهیهای مالی اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره

9. اگر واحد تجاری، یک وام یا دریافتنی (یا گروهی از وامها یا دریافتنی‌ها) را به طبقه اندازه‌گیری شده به

ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص دهد، باید موارد زیر را افشا کند:

الف. حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری (به بند 36 الف) مراجعه شود) وام یا دریافتی (یا گروهی از وامها یا دریافتی‌ها) در پایان دوره گزارشگری.

ب. مبلغ هرگونه ابزار مشتقه اعتباری مربوط یا ابزارهای مشابه که حداکثر آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری را کاهش می‌دهد.

پ. میزان تغییر در ارزش منصفانه وام یا دریافتی (یا گروهی از وامها یا دریافتی‌ها)، طی دوره و بطور انباشته، که قابل انتساب به تغییر در ریسک اعتباری دارایی مالی است که به یکی از روشهای زیر تعیین می‌شود:

1. به عنوان میزان تغییر در ارزش منصفانه که قابل انتساب به تغییر شرایط بازار، که موجب ایجاد ریسک بازار می‌شود، نمی‌باشد؛ یا

2. استفاده از روشی جایگزین که واحد تجاری معتقد است میزان تغییر در ارزش منصفانه قابل انتساب به تغییر در ریسک اعتباری دارایی را بطور صادقانه بیان می‌کند.

تغییر شرایط بازار که منجر به ریسک بازار می‌شود، شامل تغییر در نرخ بهره اسمی (مبنا)، قیمت کالا، نرخ مبادله ارز یا شاخص قیمتها یا نرخها می‌باشد.

ت. میزان تغییر در ارزش منصفانه هرگونه ابزار مشتقه اعتباری مربوط یا ابزارهای مشابه طی دوره، و از زمان اختصاص وام یا دریافتی بطور انباشته.

10. اگر واحد تجاری، طبق بند 9 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، بدهی مالی را به طبقه ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص داده باشد، باید موارد زیر را افشا کند:

الف. میزان تغییر، طی دوره و بطور انباشته، در ارزش منصفانه بدهی مالی که قابل انتساب به تغییرات ریسک اعتباری بدهی مزبور است و به یکی از روشهای زیر تعیین می‌شود:

1. به عنوان میزان تغییر در ارزش منصفانه که قابل انتساب به تغییر شرایط بازار، که موجب ایجاد



ریسک بازار می‌شود، نمی‌باشد (به بند 4 پیوست ب  
مراجعه شود)؛ یا

2. استفاده از روشی جایگزین که واحد تجاری معتقد  
است میزان تغییر در ارزش منصفانه قابل انتساب  
به تغییر در ریسک اعتباری بدهی را بطور  
صادقانه بیان می‌کند.

تغییر شرایط بازار که منجر به ریسک بازار می‌شود،  
شامل تغییر در نرخ بهره اسمی (مبنا)، قیمت ابزار  
مالی واحد تجاری دیگر، قیمت کالا، نرخ مبادله ارز  
یا شاخص قیمت‌ها یا نرخها می‌باشد. در مورد  
قراردادهایی که دربردارنده ویژگی سرمایه‌گذاری طبق  
طرح یکپارچه هستند، تغییر شرایط بازار شامل تغییر  
در عملکرد صندوق سرمایه‌گذاری داخلی یا خارجی مرتبط  
می‌باشد.

10 الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و  
بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

11. واحد تجاری باید موارد زیر را نیز افشا کند:

الف. روشهای مورد استفاده برای رعایت الزامات بندهای  
9 (پ) و 10 (الف) استاندارد بین‌المللی حسابداری 39.

ب. اگر واحد تجاری بر این باور باشد که افشای  
ارائه‌شده به منظور رعایت الزامات بندهای 9 (پ) و  
10 (الف) استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، تغییر  
در ارزش منصفانه دارایی مالی یا بدهی مالی قابل  
انتساب به تغییر در ریسک اعتباری آن را بطور  
صادقانه بیان نمی‌کند، دلایل این نتیجه‌گیری و عواملی  
که از نظر واحد تجاری مربوط است.

11 الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و  
بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

11 ب. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و  
بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

#### تجدید طبقه‌بندی

12. در صورتی که واحد تجاری دارایی مالی را (طبق بندهای  
51 تا 54 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39) به گونه‌ای  
تجدید طبقه‌بندی کند که به شرح زیر اندازه‌گیری شود:

الف. بهای تمام شده یا بهای مستهلک شده؛ یا

ب. ارزش منصفانه، و نه بهای تمام شده یا بهای مستهلک  
شده،

باید مبلغ تجدید طبقه‌بندی به / از هر طبقه و دلیل تجدید طبقه‌بندی را افشا نماید.

12الف. در صورتی که واحد تجاری یک دارایی مالی را طبق بندهای 50ب یا 50ت استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، یا طبق بند 50ث استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 از طبقه آماده برای فروش تجدید طبقه‌بندی کند، باید موارد زیر را افشا نماید:

الف. مبلغ تجدید طبقه‌بندی‌شده به / از هر طبقه؛

ب. در هر دوره گزارشگری تا زمان قطع شناخت، مبالغ دفتری و ارزشهای منصفانه تمام داراییهای مالی که در دوره‌های گزارشگری جاری و گذشته تجدید طبقه‌بندی شده است؛

پ. در صورتی که یک دارایی مالی طبق بند 50ب تجدید طبقه‌بندی شده باشد، شرایط کمیاب و واقعیتها و وضعیتهایی که بیانگر آن شرایط کمیاب است؛

ت. در دوره گزارشگری که دارایی مالی تجدید طبقه‌بندی شده است، سود یا زیان ارزش منصفانه دارایی مالی شناسایی‌شده در سود یا زیان دوره یا سایر اقلام سود و زیان جامع همان دوره گزارشگری و دوره گزارشگری گذشته؛

ث. در دوره‌های پس از تجدید طبقه‌بندی (شامل دوره گزارشگری که دارایی مالی در آن تجدید طبقه‌بندی شده است) تا زمان قطع شناخت دارایی مالی، سود یا زیان ارزش منصفانه شناسایی‌شده در سود یا زیان دوره یا سایر اقلام سود و زیان جامع در صورت عدم تجدید طبقه‌بندی دارایی مالی و سود، زیان، درآمد و هزینه شناسایی‌شده در سود یا زیان دوره؛ و

ج. نرخ بهره مؤثر و مبالغ جریانهای نقدی برآوردی که واحد تجاری انتظار بازیافت آنها را دارد، در تاریخ تجدید طبقه‌بندی دارایی مالی.

12ب تا 12ت. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

13. [حذف شد]

#### تفاوت داراییهای مالی و بدهیهای مالی

13الف. موارد افشای بندهای 13ب تا 13ث، سایر الزامات افشای این استاندارد را تکمیل می‌کند و برای تمام

ابزارهای مالی شناسایی شده که طبق بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 تهاتر می‌شوند، الزامی است. همچنین، این موارد افشا برای ابزارهای مالی شناسایی شده‌ای که مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال یا توافقی مشابه می‌شوند، صرف‌نظر از اینکه طبق بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 تهاتر شده باشند یا خیر، کاربرد دارد.

13ب. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، امکان ارزیابی تأثیر یا تأثیر بالقوه توافقیهای خالص‌سازی بر وضعیت مالی واحد تجاری را فراهم نماید. این افشا شامل تأثیر یا تأثیر بالقوه حقوق تهاتر مرتبط با داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده واحد تجاری است که در دامنه کاربرد بند 13الف قرار می‌گیرد.

13پ. برای دستیابی به هدف مندرج در بند 13ب، واحد تجاری باید در پایان دوره گزارشگری، اطلاعات کمی زیر را برای داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده‌ای که در دامنه کاربرد بند 13الف قرار می‌گیرند، به تفکیک افشا کند:

الف. مبالغ ناخالص داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده؛

ب. مبالغی که طبق معیارهای مندرج در بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، هنگام تعیین مبالغ خالص ارائه شده در صورت وضعیت مالی، تهاتر شده‌اند؛

پ. مبالغ خالص ارائه شده در صورت وضعیت مالی؛

ت. مبالغ مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال یا توافقی مشابه که به طریقی دیگر، مشمول بند 13پ(ب) نمی‌شوند، شامل:

1. مبالغ مربوط به ابزارهای مالی شناسایی شده‌ای که تمام یا برخی معیارهای تهاتر مندرج در بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز نمی‌کنند؛ و

2. مبالغ مربوط به وثیقه مالی (شامل وثیقه نقدی)؛

و

ث. مبلغ خالص پس از کسر مبالغ مندرج در (ت) از مبالغ مندرج در (پ) اشاره شده در بالا.

اطلاعات الزامی طبق این بند، باید به شکل جدول، بطور جداگانه برای داراییهای مالی و بدهیهای مالی ارائه شود؛ مگر اینکه شکل دیگری مناسبتر باشد.

13ت. کل مبلغ افشاشده طبق بند 13پ(ت) برای یک ابزار مالی، باید محدود به مبلغ مندرج در بند 13پ(پ) برای آن ابزار مالی باشد.

13ث. واحد تجاری باید به همراه افشای حقوق تهاثر مربوط به داراییهای مالی شناسایی‌شده و بدهیهای مالی شناسایی‌شده مشمول توافق خالصسازی جامع قابل اعمال و توافقیهای مشابهی که طبق بند 13پ(ت) افشا شده‌اند، توضیحی شامل ماهیت این حقوق، ارائه نماید.

13ج. در صورتی که اطلاعات الزامی طبق بندهای 13ب تا 13ث، در بیش از یک یادداشت توضیحی افشا شود، واحد تجاری باید بین یادداشتها، عطف متقابل برقرار کند.

#### وثیقه

14. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. مبلغ دفتری داراییهای مالی که به عنوان وثیقه بدهیها یا بدهیهای احتمالی در رهن قرار گرفته است، شامل مبالغ تجدید طبقه‌بندی‌شده طبق بند 37(الف) استاندارد بین‌المللی حسابداری 39؛ و ب. مفاد و شرایط مربوط به وثیقه‌گذاری.

15. زمانی که واحد تجاری وثیقه‌ای (از داراییهای مالی یا غیرمالی) در اختیار دارد و مجاز است که در صورت عدم نکول مالک وثیقه، آن را بفروشد یا مجدداً به رهن بگذارد، باید موارد زیر را افشا کند:

الف. ارزش منصفانه وثیقه نگهداری‌شده؛

ب. ارزش منصفانه هرگونه وثیقه فروشرفته یا مجدداً به رهن گذاشته‌شده و اینکه واحد تجاری متعهد به استرداد آن می‌باشد یا خیر؛ و

پ. مفاد و شرایط مرتبط با استفاده از وثیقه.

#### حساب ذخیره کاهش ارزش بابت زیانهای اعتباری

16. زمانی که داراییهای مالی به دلیل زیانهای اعتباری، کاهش ارزش می‌یابد و واحد تجاری کاهش ارزش را به جای کاهش مستقیم مبلغ دفتری دارایی، در حسابی جداگانه ثبت می‌کند (برای مثال، از حساب ذخیره کاهش ارزش برای ثبت کاهش ارزش تکتک داراییها و یا از حساب مشابهی برای کاهش ارزش مجموعه‌ای از داراییها استفاده می‌کند)، باید

صورت تطبیق تغییرات آن حساب طی دوره را برای هر طبقه از داراییهای مالی افشا کند.

16 الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

#### ابزارهای مالی مرکب دارای ابزارهای مشتقه تعبیه شده متعدد

17. اگر واحد تجاری ابزاری منتشر کند که شامل هر دو جزء بدهی و حقوق مالکانه باشد (به بند 28 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 مراجعه شود) و آن ابزار دارای ابزارهای مشتقه تعبیه شده متعددی باشد که ارزش آنها به یکدیگر وابسته است (مانند یک ابزار بدهی قابل تبدیل قابل خرید)، واحد تجاری باید وجود این ویژگیها را افشا کند.

#### نکول و نقض

18. واحد تجاری باید در مورد وامهای پرداختنی شناسایی شده در پایان دوره گزارشگری، موارد زیر را افشا کند:

الف. جزئیات هرگونه نکول اصل، بهره، وجوه استهلاکی یا شرایط بازخرید وامهای پرداختنی مزبور طی دوره؛

ب. مبلغ دفتری وامهای پرداختنی نکول شده در پایان دوره گزارشگری؛ و

پ. اینکه پیش از تأیید صورتهای مالی برای انتشار، نکول رفع شده است یا درباره شرایط وامهای پرداختنی مذاکره مجدد صورت گرفته است.

19. اگر به غیر از موارد مطرح شده در بند 18، شرایط مربوط به موافقتنامه وام، طی دوره نقض شود، در صورتی که موارد نقض شده به وام‌دهنده اجازه دهد بازپرداخت سریع‌تر را درخواست نماید، واحد تجاری باید اطلاعات الزامی طبق بند 18 را افشا کند (مگر اینکه در پایان دوره گزارشگری یا پیش از آن، موارد نقض شده رفع، یا درباره شرایط وام، مذاکره مجدد صورت گرفته باشد).

#### صورت سود و زیان جامع

#### اقلام درآمد، هزینه، سود یا زیان

20. واحد تجاری باید اقلام درآمد، هزینه، سود یا زیان زیر را در صورت سود و زیان جامع یا یادداشتهای توضیحی افشا کند:

الف. خالص سودها یا خالص زیانهای مربوط به:

1. داراییهای مالی یا بدهیهای مالی اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، به

تفکیک داراییها و بدهیهایی که در زمان شناخت اولیه، به طبقه ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص داده شده‌اند و داراییهای مالی یا بدهیهای مالی که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، به عنوان نگهداری‌شده برای مبادله طبقه‌بندی شده‌اند؛

2. داراییهای مالی آماده برای فروش، به تفکیک مبلغ سود یا زیان شناسایی‌شده در سایر اقلام سود و زیان جامع طی دوره و مبلغ تجدید طبقه‌بندی‌شده از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره؛

3. سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید؛

4. وامها و دریافتنی‌ها؛ و

5. داراییهای مالی اندازه‌گیری‌شده به بهای مستهلک شده؛

ب. کل درآمد بهره و کل هزینه بهره (که با استفاده از روش بهره مؤثر محاسبه شده است) داراییهای مالی یا بدهیهای مالی که به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اندازه‌گیری نمی‌شوند؛

پ. درآمد و هزینه حق‌الزحمه (به غیر از مبالغی که در تعیین نرخ بهره مؤثر لحاظ می‌شود) ناشی از:

1. داراییهای مالی یا بدهیهای مالی که به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اندازه‌گیری نمی‌شوند؛ و

2. انواع فعالیتهای امانی که منجر به نگهداری یا سرمایه‌گذاری در داراییها از جانب افراد، امنا، طرحهای مزایای بازنشستگی و سایر مؤسسات می‌شود؛

ت. درآمد بهره مربوط به داراییهای مالی کاهش ارزش‌یافته که طبق بند ر 93 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 تحقق می‌یابد؛ و

ث. مبلغ هرگونه زیان کاهش ارزش برای هر طبقه از داراییهای مالی.

20 الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

## سایر موارد افشا

### رویه‌های حسابداری

21. طبق بند 117 استاندارد بین‌المللی حسابداری 1 ارائه صورتهای مالی (تجدیدنظرشده در سال 2007)، واحد تجاری در خلاصه اهم رویه‌های حسابداری، مبنای (مبانی) اندازه‌گیری مورد استفاده در تهیه صورتهای مالی و سایر رویه‌های حسابداری مورد استفاده را که به درک صورتهای مالی مربوط است، افشا می‌کند.

### حسابداری مصون‌سازی

21 الف تا 21 ت. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

22. واحد تجاری باید موارد زیر را برای هر یک از انواع مصون‌سازی تشریح‌شده در استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 (یعنی مصون‌سازی ارزش منصفانه، مصون‌سازی جریانهای نقدی، و مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری در عملیات خارجی) بطور جداگانه افشا کند:

الف. شرحی از انواع مصون‌سازی؛

ب. شرحی از ابزارهای مالی طبقه‌بندی‌شده به عنوان ابزارهای مصون‌سازی و ارزش منصفانه آنها در پایان دوره گزارشگری؛ و

پ. ماهیت ریسکهای مصون‌شده.

22 الف تا 22 پ. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

23. درخصوص مصون‌سازی جریانهای نقدی، واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. دوره‌هایی که انتظار می‌رود جریانهای نقدی واقع شوند و زمانی که انتظار می‌رود بر سود یا زیان دوره اثر بگذارند؛

ب. شرحی از تمام معامله‌های پیش‌بینی‌شده‌ای که قبلاً حسابداری مصون‌سازی برای آن مورد استفاده قرار گرفته است، اما انتظار نمی‌رود که اتفاق بیفتد؛

پ. مبلغی که طی دوره در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است؛

ت. مبلغی که طی دوره از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی شده است، شامل مبلغ منظور شده در هر یک از اقلام اصلی صورت سود و زیان جامع؛ و

ث. مبلغی که طی دوره از حقوق مالکانه حذف شده است و در بهای تمام شده اولیه یا مبلغ دفتری داراییهای غیرمالی یا بدهیهای غیرمالی که تحصیل یا وقوع آنها، یک معامله پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل مصون‌سازی بوده است، منظور گردیده است.

23 الف تا 23 ج. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

24. واحد تجاری باید موارد زیر را جداگانه افشا کند:

الف. در مصون‌سازی جریانهای نقدی، سودها یا زیانهای:

1. مربوط به ابزار مصون‌سازی؛ و
  2. مربوط به قلم مصون‌شده که قابل انتساب به ریسک مصون‌شده است.
- ب. بخش غیراثربخش ناشی از مصون‌سازی جریانهای نقدی که در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود.
- پ. بخش غیراثربخش ناشی از مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری در عملیات خارجی که در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود.

24 الف تا 24 چ. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

#### ارزش منصفانه

25. به استثنای موارد الزامی طبق بند 29، واحد تجاری باید برای هر طبقه از داراییهای مالی و بدهیهای مالی (به بند 6 مراجعه شود)، ارزش منصفانه آن طبقه از داراییها و بدهیها را به‌گونه‌ای افشا کند که امکان مقایسه با مبلغ دفتری آن فراهم شود.

26. در افشای ارزش منصفانه، واحد تجاری باید داراییهای مالی و بدهیهای مالی را در طبقاتی گروه‌بندی کند، اما باید تنها به میزانی که مبالغ دفتری آنها در صورت وضعیت مالی تهاتر می‌شود، آنها را تهاتر نماید.

27 تا 27 ب. [حذف شد]

28. در برخی موارد، واحد تجاری در زمان شناخت اولیه دارایی مالی یا بدهی مالی، سود یا زیان شناسایی نمی‌کند زیرا ارزش منصفانه، نه مستند به قیمت اعلام‌شده برای دارایی یا بدهی یکسان در بازاری فعال (یعنی داده‌های ورودی سطح 1) است و نه مبتنی بر تکنیک ارزشیابی است که تنها از داده‌های قابل مشاهده در



بازار استفاده می‌کند (به بند رب76 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مراجعه شود). در چنین شرایطی، واحد تجاری باید موارد زیر را بر حسب طبقات دارایی مالی یا بدهی مالی افشا کند:

الف. رویه حسابداری آن برای شناسایی تفاوت بین ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه و قیمت معامله در سود یا زیان دوره، به منظور انعکاس تغییر در عواملی (از جمله زمان) که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند (به بند رب76 (ب) استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مراجعه شود).

ب. کل تفاوت قابل شناسایی در سود یا زیان دوره در ابتدا و پایان دوره و صورت‌تطبيق تغییرات در مانده این تفاوت.

پ. اینکه چرا واحد تجاری به این نتیجه رسیده است که قیمت معامله، بهترین شواهد از ارزش منصفانه نیست، شامل توصیف شواهدی که از ارزش منصفانه پشتیبانی می‌کنند.

29. افشای ارزش منصفانه در موارد زیر الزامی نیست:

الف. زمانی که مبلغ دفتری ابزارهای مالی مانند دریافتنی‌ها و پرداختنی‌های تجاری کوتاه‌مدت، تقریباً معقولی از ارزش منصفانه آنها باشد؛

ب. سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه‌ای که دارای قیمت اعلام‌شده برای دارایی یا بدهی یکسان در بازاری فعال (یعنی داده‌های ورودی سطح 1) نیستند یا ابزارهای مشتقه وابسته به این‌گونه ابزارهای مالکانه که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 به بهای تمام شده اندازه‌گیری شده‌اند زیرا ارزش منصفانه آنها به‌گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری نیست؛ یا

پ. قراردادی که دارای ویژگی مشارکت اختیاری است (طبق توصیف مندرج در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4)، مشروط بر اینکه ارزش منصفانه آن ویژگی به‌گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری نباشد.

30. درخصوص موارد مطرح‌شده در بند 29 (ب) و (پ)، واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، برای اعمال قضاوت درباره میزان تفاوت‌های احتمالی بین مبلغ دفتری و ارزش منصفانه آن داراییهای مالی یا بدهیهای مالی کمک نماید؛ این اطلاعات شامل موارد زیر است:

- الف. این موضوع که اطلاعات ارزش منصفانه ابزارهای مزبور، به این دلیل که ارزش منصفانه آنها به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل اندازه‌گیری نیست، افشا نشده است؛
- ب. شرحی از ابزارهای مالی، مبلغ دفتری آنها، و توضیحی درباره اینکه به چه دلیل ارزش منصفانه به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل اندازه‌گیری نیست؛
- پ. اطلاعات درباره بازار ابزارهای مورد نظر؛
- ت. اطلاعات درباره اینکه واحد تجاری قصد واگذاری ابزارهای مالی را دارد یا خیر و چگونگی انجام این کار؛ و
- ث. در صورت قطع شناخت ابزارهای مالی که ارزش منصفانه آنها، در گذشته به‌گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری نبوده است، این موضوع، مبلغ دفتری آنها در زمان قطع شناخت و مبلغ سود یا زیان شناسایی شده.

#### ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی

31. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی در ارزیابی ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی که واحد تجاری در پایان دوره گزارشگری در معرض آنها قرار می‌گیرد، کمک نماید.
32. افشاهای الزامی طبق بندهای 33 تا 42، بر ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی و نحوه مدیریت آنها تمرکز می‌کند. این ریسکها، بطور معمول، شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک بازار است، اما محدود به این موارد نمی‌شود.
- 32 الف. فراهم آوردن موارد افشای کیفی به همراه افشاهای کمی، به استفاده‌کنندگان امکان برقراری ارتباط بین افشاهای مرتبط را می‌دهد و در نتیجه، تصویری کلی از ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی ایجاد می‌کند. تعامل بین افشاهای کیفی و کمی، به افشای اطلاعات کمک می‌کند به‌گونه‌ای که استفاده‌کنندگان، بهتر می‌توانند آسیبپذیری از ریسکها را ارزیابی کنند.

#### افشاهای کیفی

33. واحد تجاری باید برای هر یک از انواع ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، موارد زیر را افشا کند:
- الف. آسیبپذیری از ریسکها و نحوه ایجاد آنها؛

- ب. اهداف، رویه‌ها و فرایندهای مدیریت ریسک و روشهای مورد استفاده برای اندازه‌گیری ریسک؛ و
- پ. هرگونه تغییر در قسمتهای (الف) یا (ب) نسبت به دوره گذشته.

#### افشاهای کمی

34. واحد تجاری باید برای هر یک از انواع ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، موارد زیر را افشا کند:

الف. خلاصه‌ای از اطلاعات کمی درباره آسیبپذیری واحد تجاری از ریسک موردنظر در پایان دوره گزارشگری. این افشا باید مبتنی بر اطلاعات درون‌سازمانی تهیه‌شده برای مدیران اصلی واحد تجاری (طبق تعریف مندرج در استاندارد بین‌المللی حسابداری 24 افشای اطلاعات اشخاص وابسته)، برای مثال هیئتمدیره یا مدیر عامل واحد تجاری باشد.

ب. افشاهای الزامی طبق بندهای 36 تا 42، به میزانی که طبق قسمت (الف) ارائه نشده باشد.

پ. تمرکز ریسک، در صورتی که بر اساس افشاهای ارائه‌شده طبق قسمتهای (الف) و (ب) بالا، مشخص نباشد.

35. چنانچه اطلاعات کمی افشاشده در پایان دوره گزارشگری، معرف آسیبپذیری واحد تجاری از ریسک طی دوره نباشد، واحد تجاری باید اطلاعات بیشتری ارائه کند که معرف این موضوع باشد.

35 الف تا 35 ژ. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

#### ریسک اعتباری

36. واحد تجاری باید موارد زیر را بر مبنای طبقات ابزارهای مالی افشا کند:

الف. مبلغی که به بهترین شکل، حداکثر میزان آسیبپذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری در پایان دوره گزارشگری را بدون در نظر گرفتن هرگونه وثیقه نگهداری‌شده یا سایر روشهای افزایش اعتبار، نشان دهد (برای مثال توافقه‌های خالص‌سازی که واجد شرایط تهاتر طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 نمی‌باشند). این افشا برای ابزارهای مالی که مبلغ دفتری آنها به بهترین شکل حداکثر میزان آسیبپذیری از ریسک اعتباری را نشان می‌دهد، الزامی نیست.

ب. شرحی از وثیقه نگهداری‌شده به عنوان تضمین و سایر روشهای افزایش اعتبار و اثر مالی آنها (برای مثال، بیان عددی میزان کاهش ریسک اعتباری به واسطه وثیقه و سایر روشهای افزایش اعتبار) در ارتباط با مبلغی که به بهترین شکل، حداکثر آسیدپذیری از ریسک اعتباری را نشان می‌دهد (صرفنظر از اینکه طبق قسمت (الف) یا از طریق مبلغ دفتری ابزار مالی، افشا شده باشد).

پ. اطلاعات درباره کیفیت اعتباری داراییهای مالی که نه از تاریخ سررسید آنها گذشته است و نه کاهش ارزش یافته‌اند.

ت. [حذف شد]

*داراییهای مالی که یا از تاریخ سررسید آنها گذشته است یا کاهش ارزش یافته‌اند*

37. واحد تجاری باید موارد زیر را بر مبنای طبقات داراییهای مالی افشا کند:

الف. تجزیه و تحلیل سن داراییهای مالی که در پایان دوره گزارشگری از تاریخ سررسید آنها گذشته است، ولی کاهش ارزش نیافته‌اند؛ و

ب. تجزیه و تحلیل داراییهای مالی که تک تک آنها در پایان دوره گزارشگری، به عنوان داراییهای کاهش ارزش‌یافته تعیین شده‌اند، به همراه عواملی که واحد تجاری در تعیین کاهش ارزش آنها در نظر گرفته است.

پ. [حذف شد]

*کسب وثیقه و سایر روشهای افزایش اعتبار*

38. زمانی که واحد تجاری، طی دوره، داراییهای مالی یا غیرمالی را از طریق تملک وثیقه نگهداری‌شده به عنوان تضمین یا استفاده از سایر روشهای افزایش اعتبار (مثل تضمینها) به دست آورد و چنین داراییهایی معیارهای شناخت مندرج در سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را احراز کنند، واحد تجاری باید در تاریخ گزارشگری، موارد زیر را در مورد داراییهای نگهداری‌شده مزبور افشا کند:

الف. ماهیت و مبلغ دفتری داراییها؛ و

ب. در صورتی که داراییها از نقدشوندگی بالایی برخوردار نباشند، رویه‌های واحد تجاری برای واگذاری این داراییها یا استفاده از آنها در عملیات واحد تجاری.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7  
ابزارهای مالی: افشا

### ریسک نقدینگی

39. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. تجزیه و تحلیل سررسید بدهیهای مالی غیرمشتقه (شامل قراردادهای تضمین مالی صادرشده) که نشان‌دهنده سررسیدهای قراردادی باقیمانده است.

ب. تجزیه و تحلیل سررسید بدهیهای مالی مشتقه. تجزیه و تحلیل سررسید باید شامل سررسیدهای قراردادی باقیمانده برای بدهیهای مالی مشتقه‌ای باشد که سررسیدهای قراردادی آنها برای درک زمانبندی جریانهای نقدی ضروری است (به بند 11ب مراجعه شود).

پ. تشریح نحوه مدیریت ریسک نقدینگی مندرج در قسمت‌های (الف) و (ب) بالا.

### ریسک بازار

#### تحلیل حساسیت

40. به جز مواردی که طبق بند 41 عمل می‌شود، واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. تحلیل حساسیت برای هر یک از انواع ریسکهای بازار که واحد تجاری در پایان دوره گزارشگری در معرض آن قرار می‌گیرد. این تحلیل حساسیت بیانگر نحوه تأثیرپذیری سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه از تغییر در متغیر ریسک مربوط، که در آن تاریخ بطور معقول محتمل است، می‌باشد؛

ب. روشها و مفروضات مورد استفاده در آماده‌سازی تحلیل حساسیت؛ و

پ. تغییر در روشها و مفروضات مورد استفاده نسبت به دوره گذشته و دلایل این تغییرات.

41. در صورتی که واحد تجاری به گونه‌ای تحلیل حساسیت، مانند ارزش در معرض ریسک، را انجام دهد که بیانگر وابستگی متقابل متغیرهای ریسک (مانند نرخهای بهره و نرخهای مبادله) باشد و از آن برای مدیریت ریسکهای مالی استفاده نماید، واحد تجاری می‌تواند از این تحلیل حساسیت، به جای تجزیه و تحلیل مورد نظر بند 40، استفاده کند. واحد تجاری باید موارد زیر را نیز افشا نماید:

الف. توضیح درباره روش مورد استفاده در انجام این تحلیل حساسیت و پارامترها و مفروضات عمده مبنای اطلاعات ارائه‌شده؛ و

ب. توضیح هدف روش مورد استفاده، و محدودیتهایی که ممکن است موجب شود اطلاعات، ارزش منصفانه داراییها و بدهیها را بطور کامل منعکس نکند.

#### سایر افشاهای مربوط به ریسک بازار

42. در صورتی که تحلیل حساسیت افشاشده طبق بندهای 40 یا 41، معرف ریسک ابزار مالی نباشد (برای مثال، به دلیل اینکه آسیبپذیری از ریسک پایان سال، بازتابی از آسیبپذیری از ریسک طی سال نیست)، واحد تجاری باید این موضوع و دلیل اینکه چرا معتقد است تحلیل حساسیت بیانگر این ریسک نمی‌باشد را افشا کند.

#### انتقال داراییهای مالی

42 الف. الزامات افشای مندرج در بندهای 42 ب تا 42 ح در مورد انتقال داراییهای مالی، سایر الزامات افشای این استاندارد را تکمیل می‌کند. واحد تجاری باید افشاهای الزامی طبق بندهای 42 ب تا 42 ح را در یادداشتی مجزا، در صورتهای مالی خود ارائه نماید. واحد تجاری باید برای تمام داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که قطع شناخت نشده‌اند و بابت هرگونه مشارکت مستمر در دارایی انتقال‌یافته، که صرفنظر از زمان وقوع معامله انتقال مربوط، در تاریخ گزارشگری موجود است، افشاهای الزامی را ارائه کند. به منظور بکارگیری الزامات افشای مندرج در آن بندها، واحد تجاری تنها در صورتی تمام یا بخشی از دارایی مالی را انتقال داده است (دارایی مالی انتقال‌یافته) که یا:

الف. حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی آن دارایی مالی را انتقال داده باشد؛ یا

ب. حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی آن دارایی مالی را حفظ کرده باشد، اما طبق توافق، متعهد به پرداخت همان جریانهای نقدی به یک یا چند دریافت‌کننده طبق یک توافق باشد.

42 ب. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، موارد زیر را امکانپذیر سازد:

الف. درک رابطه بین داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل، قطع شناخت نشده‌اند و بدهیهای مربوط؛ و

ب. ارزیابی ماهیت، و ریسکهای مربوط به مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخته شده.

42پ. برای مقاصد بکارگیری الزامات افشای مندرج در بندهای 42ث تا 42ح، واحد تجاری در صورتی مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال‌یافته، یا بخشی از آن دارد که تمام حقوق قراردادی یا تعهدات مرتبط با دارایی مالی انتقال‌یافته را حفظ یا هرگونه حقوق یا تعهدات قراردادی جدید مرتبط با دارایی مالی انتقال‌یافته را به دست آورده باشد. برای مقاصد بکارگیری الزامات افشای مندرج در بندهای 42ث تا 42ح، موارد زیر، مشارکت مستمر محسوب نمی‌شود:

الف. اعلامیه‌ها و ضمانتنامه‌های عادی مرتبط با انتقال متقلبانه و مفاهیم معقول بودن، معاملات صادقانه و منصفانه که می‌تواند در نتیجه اقدام قانونی، انتقال را ابطال کند.

ب. پیمانهای آتی، اختیارهای معامله و سایر قراردادهای تحصیل مجدد دارایی مالی انتقال‌یافته که قیمت قرارداد (یا قیمت اعمال) آنها، برابر با ارزش منصفانه دارایی مالی انتقال‌یافته است؛ یا

پ. توافقی که به موجب آن، واحد تجاری حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی دارایی مالی را حفظ کرده است، اما برای پرداخت همان جریانهای نقدی به یک یا چند واحد تجاری، تعهد قراردادی تقبل کرده و شرطهای مندرج در بند 19(الف) تا (پ) استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 احراز شده است.

#### **داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخته نشده‌اند**

42ت. ممکن است واحد تجاری داراییهای مالی را به‌گونه‌ای انتقال دهد که تمام داراییهای مالی انتقال‌یافته یا بخشی از آن، واجد شرایط قطع شناخته نشود. برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده در بند 42ب(الف)، واحد تجاری باید در هر تاریخ گزارشگری، برای هر یک از طبقات داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخته نشده‌اند، موارد زیر را افشا کند:

الف. ماهیت داراییهای انتقال‌یافته.

ب. ماهیت ریسکها و مزایای مالکیت که واحد تجاری در معرض آن قرار دارد.

پ. تشریح ماهیت رابطه بین داراییهای انتقال‌یافته و بدهیهای مربوط، شامل محدودیتهای استفاده از



داراییهای انتقال‌یافته توسط واحد گزارشگر، در نتیجه انتقال.

ت. در صورتی که طرف(های) بدهیهای مربوط، تنها نسبت به داراییهای انتقال‌یافته حق رجوع داشته باشد (باشند)، جدولی که ارزش منصفانه داراییهای انتقال‌یافته، ارزش منصفانه بدهیهای مربوط و وضعیت خالص (تفاوت بین ارزش منصفانه داراییهای انتقال‌یافته و بدهیهای مربوط) را مشخص می‌کند.

ث. در صورتی که واحد تجاری به شناسایی تمام داراییهای انتقال‌یافته ادامه دهد، مبالغ دفتری داراییهای انتقال‌یافته و بدهیهای مربوط.

ج. در صورتی که واحد تجاری به میزان مشارکت مستمر خود، به شناسایی داراییها ادامه دهد (به بندهای 20 (پ) (2) و 30 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مراجعه شود)، کل مبلغ دفتری داراییهای اصلی پیش از انتقال، مبلغ دفتری داراییهایی که واحد تجاری به شناسایی آنها ادامه می‌دهد، و مبلغ دفتری بدهیهای مربوط.

#### داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت شده‌اند

42ث. برای دستیابی به اهداف تعیین شده در بند 42ب(پ)، در صورتی که واحد تجاری داراییهای مالی انتقال‌یافته را بطور کامل قطع شناخت کند (به بند 20 (الف) و (پ) (1) استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مراجعه شود)، اما در آنها مشارکت مستمر داشته باشد، واحد تجاری باید برای هر نوع مشارکت مستمر در هر تاریخ گزارشگری، حداقل موارد زیر را افشا کند:

الف. مبلغ دفتری داراییها و بدهیهایی که در صورت وضعیت مالی واحد تجاری شناسایی شده است و نشان‌دهنده مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده می‌باشد و اقلام اصلی که مبلغ دفتری آن داراییها و بدهیها، در آن اقلام شناسایی می‌شود.

ب. ارزش منصفانه داراییها و بدهیهایی که نشان‌دهنده مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده است.

پ. مبلغی که به بهترین شکل، حداکثر آسیبپذیری واحد تجاری از زیان ناشی از مشارکت مستمر آن در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده را نشان می‌دهد و

اطلاعاتی که نحوه تعیین حداکثر آسیب‌پذیری از زیان را مشخص می‌کند.

ت. جریانهای نقدی خروجی تنزیل‌نشده که برای بازخرید داراییهای مالی قطع شناخت‌شده، لازم است یا ممکن است لازم شود (برای مثال، قیمت اعمال در قرارداد اختیار معامله) یا مبالغ دیگری که در ارتباط با داراییهای انتقال‌یافته، به انتقال‌گیرنده قابل پرداخت است. در صورتی که جریانهای نقدی خروجی متغیر باشد، مبلغ افشاشده باید بر مبنای شرایط موجود در هر تاریخ گزارشگری باشد.

ث. تجزیه و تحلیل سررسید جریانهای نقدی خروجی تنزیل‌نشده که برای بازخرید داراییهای مالی قطع شناخت‌شده، لازم است یا ممکن است لازم شود یا مبالغ دیگری که در ارتباط با داراییهای انتقال‌یافته، قابل پرداخت به انتقال‌گیرنده است. این مورد افشا نشان‌دهنده سررسیدهای قراردادی باقیمانده مشارکت مستمر واحد تجاری است.

ج. اطلاعات کیفی برای توصیف و پشتیبانی افشاهای کمی الزامی طبق قسمتهای (الف) تا (ث).

42ج. در صورتی که واحد تجاری بیش از یک نوع مشارکت مستمر در دارایی مالی قطع شناخت‌شده داشته باشد، ممکن است واحد تجاری اطلاعات الزامی طبق بند 42ث را در ارتباط با یک دارایی خاص تجمیع کند و آن را به عنوان یک نوع مشارکت مستمر گزارش نماید.

42چ. افزون بر این، واحد تجاری باید برای هر نوع مشارکت مستمر، موارد زیر را افشا کند:

الف. سود یا زیان شناسایی‌شده در تاریخ انتقال داراییها.

ب. درآمد و هزینه‌های شناسایی‌شده ناشی از مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده (برای مثال، تغییر در ارزش منصفانه ابزارهای مشتقه)، هم در دوره گزارشگری و هم بطور انباشته.

پ. در صورتی که کل عواید حاصل از فعالیت انتقال (که واجد شرایط قطع شناخت است) در دوره گزارشگری، در طول دوره گزارشگری بطور یکنواخت توزیع نشده باشد (برای مثال، اگر بخش عمده‌ای از کل عواید حاصل از فعالیت انتقال در روزهای پایانی دوره گزارشگری واقع شود):

1. زمان وقوع بزرگترین فعالیت انتقال در آن دوره گزارشگری (برای مثال، پنج روز قبل از پایان دوره گزارشگری)،
  2. مبلغ (برای مثال سودها یا زیانهای مربوط) شناسایی‌شده حاصل از فعالیت انتقال در آن بخش از دوره گزارشگری، و
  3. کل مبلغ عواید حاصل از فعالیت انتقال در آن بخش از دوره گزارشگری.
- واحد تجاری باید این اطلاعات را برای هر دوره‌ای که صورت سود و زیان جامع ارائه می‌شود، تهیه کند.

#### اطلاعات تکمیلی

- 42ح. واحد تجاری باید هرگونه اطلاعات اضافی را که برای دستیابی به اهداف افشا، مندرج در بند 42ب، ضروری می‌داند، افشا کند.
- 42خ تا 42ط. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

#### تاریخ اجرا و گذار

43. واحد تجاری باید الزامات این استاندارد را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2007 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد توصیه می‌شود. در صورتی که واحد تجاری این استاندارد را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.
44. در صورتی که واحد تجاری این استاندارد را برای دوره‌های سالانه‌ای که پیش از اول ژانویه سال 2006 شروع می‌شود بکار گیرد، ارائه اطلاعات مقایسه‌ای برای الزامات افشای مندرج در بندهای 31 تا 42 درباره ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، ضرورت ندارد.
- 44 الف. استاندارد بین‌المللی حسابداری 1 (تجدیدنظرشده در سال 2007)، اصطلاحات مورد استفاده در کل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اصلاح کرد. افزون بر این، بندهای 20، 21، 23 (پ) و (ت)، 27 (پ) و 5 پیوست ب را اصلاح نمود. واحد تجاری باید این موارد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2009 شروع می‌شود، بکار گیرد. اگر واحد تجاری استاندارد بین‌المللی حسابداری 1 (تجدیدنظرشده در سال 2007) را

پیش از موعد بکار گیرد، این موارد اصلاحی باید برای آن دوره‌ها اعمال شود.

44ب. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 3 (تجدیدنظرشده در سال 2008)، بند 3(پ) را حذف کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال 2009 شروع می‌شود، بکار گیرد. اگر واحد تجاری استاندارد بین‌المللی حسابداری 3 (تجدیدنظرشده در سال 2008) را پیش از موعد بکار گیرد، این مورد اصلاحی باید برای آن دوره اعمال شود. با وجود این، مورد اصلاحی مزبور، برای مابه‌ازای احتمالی ناشی از ترکیب تجاری که تاریخ تحصیل آن قبل از بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 3 (تجدیدنظرشده در سال 2008) است، کاربرد ندارد. در مقابل، واحد تجاری باید این مابه‌ازا را طبق بندهای 65الف تا 65ث استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 3 (اصلاح‌شده در سال 2010) به حساب منظور کند.

44پ. واحد تجاری باید مورد اصلاحی مندرج در بند 3 را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2009 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. در صورتی که واحد تجاری ابزارهای مالی قابل فروش به ناشر و تعهدات ناشی از انحلال (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 و استاندارد بین‌المللی حسابداری 1)، منتشرشده در فوریه سال 2008، را پیش از موعد بکار گیرد، مورد اصلاحی مندرج در بند 3 باید برای آن دوره اعمال شود.

44ت. اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منتشرشده در می سال 2008، بند 3(الف) را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2009 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این مورد اصلاحی را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند و اصلاحات بند 1 استاندارد بین‌المللی حسابداری 28، بند 1 استاندارد بین‌المللی حسابداری 31 و بند 4 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، منتشرشده در می سال 2008، را برای آن دوره بکار گیرد. واحد تجاری مجاز است این مورد اصلاحی را با تسری به آینده بکار گیرد.

44ث. تجدید طبقه‌بندی داراییهای مالی (اصلاحات استانداردهای بین‌المللی حسابداری 39 و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7)، منتشرشده در اکتبر سال 2008، بند

12 را اصلاح و بند 12الف را اضافه کرد. واحد تجاری باید این موارد اصلاحی را از اول جولای سال 2008 یا پس از آن بکار گیرد.

44ج. تجدید طبقه‌بندی داراییهای مالی- تاریخ اجرا و گذار (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7)، منتشرشده در نوامبر سال 2008، بند 44ث را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را از اول جولای سال 2008 یا پس از آن بکار گیرد.

44ج. بهبود افشا درباره ابزارهای مالی (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7)، منتشرشده در مارس سال 2009، بندهای 27، 39 و ب11 را اصلاح نمود و بندهای 27الف، 27ب، 10الف و ب11الف تا ب11ج را اضافه کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2009 یا پس از آن شروع می‌شود، بکارگیرد. ارائه افشاهای الزامی طبق اصلاحات مزبور، برای موارد زیر ضروری نیست:

الف. تمام صورت وضعیتهای مالی سالانه یا میان‌دوره‌ای، که پایان دوره مقایسه‌ای سالانه آنها قبل از 31 دسامبر سال 2009 می‌باشد، یا

ب. تمام صورت وضعیتهای مالی در آغاز نخستین دوره مقایسه‌ای در تاریخی قبل از 31 دسامبر سال 2009.

بکارگیری پیش از موعد، مجاز است. در صورتی که واحد تجاری این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا نماید.<sup>1</sup>

44ح تا 44د. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

44ذ. اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منتشرشده در می سال 2010، بند 44ب را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال 2010 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است.

1 به دنبال معافیت محدود واحدهای تجاری پذیرنده از افشای مقایسه‌ای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 1)، منتشرشده در ژانویه سال 2010، بند 44ج اصلاح شد. هیئت، بند 44ج را به منظور شفافسازی نتیجه‌گیری‌های خود، اصلاح کرد و برای بهبود افشا درباره ابزارهای مالی (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7)، گذار در نظر گرفت.

44ر. اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منتشرشده در می سال 2010، بند 32الف را اضافه و بندهای 34 و 36 تا 38 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2011 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. در صورتی که واحد تجاری این اصلاحات را پیش از موعد بکارگیرد، باید این موضوع را افشا کند.

44ز. افشا- انتقال داراییهای مالی (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7)، منتشرشده در اکتبر سال 2010، بند 13 را حذف و بندهای 42الف تا 42ح و ب29 تا ب39 را اضافه کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال 2011 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. در صورتی که واحد تجاری این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند. واحد تجاری ملزم نیست که افشاهای الزامی طبق این اصلاحات را برای دوره‌هایی که قبل از تاریخ بکارگیری اولیه اصلاحات شروع شده است، ارائه نماید.

44ژ. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

44س. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10 و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 11 مشارکتها، منتشرشده در می سال 2011، بند 3 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10 و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 11 اعمال کند.

44ش. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13، منتشرشده در می سال 2011، بندهای 3، 28 و 29 و پیوست الف را اصلاح نمود و بندهای 27 تا 27ب را حذف کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 اعمال نماید.

44ص. ارائه اجزای سایر اقلام سود و زیان جامع (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری 1)، منتشرشده در ژوئن سال 2011، بند 27ب را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی حسابداری 1، اصلاح‌شده در ژوئن سال 2011، اعمال کند.

44ض. افشاهاتر داراییهای مالی و بدهیهای مالی (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7)، منتشرشده در دسامبر سال 2011، بندهای 13الف تا 13ج و ب40 تا ب53 را اضافه

کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2013 یا پس از آن شروع می‌شود و دوره‌های میانی آن دوره‌های سالانه، بکار گیرد. واحد تجاری باید افشاهای الزامی طبق این اصلاحات را با تسری به گذشته ارائه نماید.

44ط تا 44ف. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

44ق. واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 12 و استاندارد بین‌المللی حسابداری 27)، منتشرشده در اکتبر سال 2012، بند 3 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2014 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری مجاز است. اگر واحد تجاری این مورد اصلاحی را پیش از موعد بکار گیرد، باید تمام اصلاحات مربوط به واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری را همزمان اعمال نماید.

44ک تا 44گالف. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

44الفالف. اصلاحات سالانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی— دوره 2012 تا 2014، منتشرشده در سپتامبر سال 2014، بندهای 44ض و ب30 را اصلاح و بند ب30الف را اضافه کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2016 یا پس از آن شروع می‌شود، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 8 رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات با تسری به گذشته بکار گیرد، مگر اینکه بکارگیری اصلاحات بندهای ب30 و ب30الف برای دوره‌های ارائه‌شده‌ای که شروع آنها قبل از دوره سالانه نخستین بکارگیری آن اصلاحات توسط واحد تجاری است، ضرورت نداشته باشد. بکارگیری پیش از موعد اصلاحات بندهای 44ض، ب30 و ب30الف مجاز است. اگر واحد تجاری این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

44بب. بهبود افشا (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری 1)، منتشرشده در دسامبر سال 2014، بندهای 21 و ب5 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2016 یا پس

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7  
ابزارهای مالی: افشا

از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد این اصلاحات مجاز است.

**کنارگذاري استاندارد بين‌المللي حسابداري 30**

---

45. این استاندارد، جایگزین استاندارد بین‌المللی حسابداري 30 افشا در صورتهای مالی بانکهها و مؤسسات مالی مشابه می‌شود.



## پیوست الف

### اصطلاحات تعریف‌شده

- این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی است.
- ریسک اعتباری
- ریسک اینکه یک طرف ابزار مالی، به دلیل عدم ایفای تعهد، موجب زیان مالی طرف دیگر شود.
- ریسک واحد پول
- ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در نرخهای ارز
- ریسک نرخ بهره
- ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در نرخهای بهره بازار
- ریسک نقدینگی
- ریسک اینکه واحد تجاری در ایفای تعهدات مربوط به بدهیهای مالی که از طریق تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر تسویه می‌شود، دچار مشکل شود.
- وامهای پرداختنی
- وامهای پرداختنی، بدهیهای مالی به غیر از حسابهای پرداختنی تجاری کوتاه‌مدت در شرایط اعتباری عادی است.
- ریسک بازار
- ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در قیمت‌های بازار. ریسک بازار از سه نوع ریسک تشکیل شده است: ریسک واحد پول، ریسک نرخ بهره و ریسک سایر قیمت‌ها.
- ریسک سایر قیمت‌ها
- ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی، به دلیل تغییر در قیمت‌های بازار (به غیر از تغییرات ناشی از ریسک نرخ بهره یا ریسک واحد پول)، صرف‌نظر از اینکه آن تغییرات در اثر عوامل خاص ابزار مالی منفرد یا ناشر آن، یا عوامل تأثیرگذار بر تمام ابزارهای مالی مشابه معامله‌شده در بازار ایجاد شود.
- سررسید گذشته
- دارایی مالی در صورتی سررسید

گذشته محسوب می‌شود که طرف مقابل  
در تاریخ سررسید قرارداد، پرداخت  
را انجام ندهد.

اصطلاحات زیر، در بند 11 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32  
یا بند 9 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 تعریف شده و در  
استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، با معانی مشخص‌شده  
در استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 و استاندارد  
بین‌المللی حسابداری 39 بکار رفته است.

- بهای مستهلک شده دارایی مالی یا بدهی مالی
- دارایی مالی آماده برای فروش
- قطع شناخت
- ابزار مشتقه
- روش بهره مؤثر
- ابزار مالکانه
- ارزش منصفانه
- دارایی مالی
- دارایی مالی یا بدهی مالی اندازه‌گیری‌شده به  
ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره
- دارایی مالی یا بدهی مالی نگهداری‌شده برای  
مبادله
- قرارداد تضمین مالی
- ابزار مالی
- بدهی مالی
- معامله پیش‌بینی‌شده
- ابزار مصون‌سازی
- سرمایه‌گذارهای نگهداری‌شده تا سررسید
- وامها و دریافتنی‌ها
- خرید یا فروش به روش معمول

## پیوست ب

### رهنمود بکارگیری

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی است.

### طبقات ابزارهای مالی و سطح افشا (بند 6)

---

ب1. بند 6 واحد تجاری را ملزم می‌کند ابزارهای مالی را در طبقاتی که متناسب با ماهیت اطلاعات افشاشده است و ویژگیهای آن ابزارهای مالی را مد نظر قرار می‌دهد، گروه‌بندی کند. طبقات توصیف‌شده در بند 6، توسط واحد تجاری تعیین می‌شود و بنابراین، از طبقات تعیین‌شده برای ابزارهای مالی در استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 (که نحوه اندازه‌گیری ابزارهای مالی و محل انعکاس شناخت تغییرات در ارزش منصفانه را تعیین می‌کند) متمایز است.

ب2. در تعیین طبقات ابزارهای مالی، واحد تجاری باید حداقل موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. ابزارهای اندازه‌گیری‌شده به بهای مستهلک شده را از ابزارهای اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه متمایز کند.

ب. ابزارهای مالی خارج از دامنه کاربرد این استاندارد را به صورت یک طبقه یا طبقات جداگانه در نظر بگیرد.

ب3. واحد تجاری، برحسب شرایط خود، میزان جزئیات قابل ارائه برای رعایت الزامات این استاندارد، میزان تأکید بر جنبه‌های مختلف این الزامات و چگونگی جمع‌آوری اطلاعات برای ارائه تصویر کلی بدون ترکیب اطلاعات برخوردار از ویژگیهای متفاوت را تعیین می‌کند. ضرورت دارد تا میان ارائه اطلاعات بسیار تفصیلی در صورتهای مالی که ممکن است به استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی کمک نکند و پنهان نمودن اطلاعات مهم به دلیل جمع‌بیش از حد اطلاعات، توازن برقرار شود. برای مثال، واحد تجاری نباید اطلاعات مهم را به واسطه درج آن در میان انبوهی از جزئیات بی‌اهمیت پنهان کند. همچنین واحد تجاری نباید اطلاعات را آنقدر جمع‌بندی کند که تفاوت‌های مهم بین معاملات منفرد یا ریسک‌های مربوط، پوشیده بماند.

### اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت و عملکرد مالی

---

### بدهیهای مالی اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره (بندهای 10 و 11)

ب4. در صورتی که واحد تجاری بدهی مالی خود را به طبقه ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص دهد، طبق بند 10 (الف) ملزم به افشای مبلغ تغییر در ارزش منصفانه بدهی مالی قابل انتساب به تغییر در ریسک اعتباری بدهی است. بند 10 (الف) (1) به واحد تجاری اجازه می‌دهد مبلغ مزبور را به عنوان میزان تغییر در ارزش منصفانه بدهی تعیین کند که قابل انتساب به تغییر شرایط بازار که موجب ایجاد ریسک بازار می‌شود، نمی‌باشد. اگر تنها تغییر مربوط در شرایط بازار برای یک بدهی، تغییر در نرخ بهره مشاهده شده (مبنا) باشد، مبلغ مزبور می‌تواند به روشهای زیر برآورد شود:

الف. نخست، واحد تجاری نرخ بازده داخلی بدهی در آغاز دوره را با استفاده از قیمت مشاهده شده در بازار بدهی و جریانهای نقدی قراردادی بدهی در آغاز دوره محاسبه می‌کند. سپس نرخ بهره مشاهده شده (مبنا) در آغاز دوره، از نرخ بازده داخلی بدهی کسر می‌شود تا جزء مختص نرخ بازده داخلی به دست آید.

ب. سپس، واحد تجاری ارزش فعلی جریانهای نقدی مرتبط با بدهی را با استفاده از جریانهای نقدی قراردادی بدهی در پایان دوره و نرخ تنزیلی برابر با مجموع (1) نرخ بهره مشاهده شده (مبنا) در پایان دوره و (2) جزء مختص نرخ بازده داخلی تعیین شده در قسمت (الف)، محاسبه می‌کند.

پ. تفاوت بین قیمت مشاهده شده در بازار بدهی در پایان دوره و مبلغ تعیین شده در قسمت (ب) بالا، تغییر در ارزش منصفانه‌ای است که قابل انتساب به تغییر در نرخ بهره مشاهده شده (مبنا) نیست. این همان مبلغی است که افشا می‌شود.

در این مثال فرض می‌شود تغییر در ارزش منصفانه که ناشی از عواملی به غیر از تغییر در ریسک اعتباری ابزار یا تغییر در نرخهای بهره است، با اهمیت نمی‌باشد. اگر ابزار مورد نظر در این مثال، دربردارنده ابزار مشتقه تعبیه شده باشد، تغییر در ارزش منصفانه ابزار مشتقه تعبیه شده در تعیین مبلغی که باید طبق بند 10 (الف) افشا شود، در نظر گرفته نمی‌شود.

### سایر موارد افشا - رویه‌های حسابداری (بند 21)

ب.5. بند 21، افشای مبنا (یا مبانی) اندازه‌گیری مورد استفاده در تهیه صورتهای مالی و سایر رویه‌های حسابداری بکاررفته که برای درک صورتهای مالی مربوط است را الزامی می‌کند. این افشا برای ابزارهای مالی، ممکن است شامل موارد زیر باشد:

الف. برای داراییهای مالی یا بدهیهای مالی اختصاص‌یافته به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره:

1. ماهیت داراییهای مالی یا بدهیهای مالی که واحد تجاری آنها را به طبقه ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص داده است؛

2. معیارهایی برای تخصیص این چینی داراییهای مالی یا بدهیهای مالی در زمان شناخت اولیه؛ و

3. نحوه احراز شرایط بندهای 9، 11 الف یا 12 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 برای چینی تخصیصی. برای ابزارهای اختصاص‌یافته طبق بند (ب) (1) تعریف بدهی مالی یا دارایی مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره در استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، این افشا شامل تشریح شرایط اساسی عدم یکنواختی در اندازه‌گیری یا شناخت است که در غیر این صورت رخ می‌داد. برای ابزارهای اختصاص‌یافته طبق بند (ب) (2) تعریف بدهی مالی یا دارایی مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره در استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، این افشا شامل تشریح نحوه هماهنگی طبقه‌بندی به عنوان اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره با استراتژی سرمایه‌گذاری یا مدیریت ریسک مستندشده واحد تجاری است.

ب. معیار اختصاص داراییهای مالی به طبقه آماده برای فروش.

پ. اینکه خرید و فروش داراییهای مالی به روش معمول، در تاریخ معامله یا در تاریخ تسویه به حساب گرفته می‌شود (به بند 38 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مراجعه شود).

ت. در صورتی که برای کاهش مبلغ دفتری داراییهای مالی که به دلیل زیانهای اعتباری کاهش ارزش یافته‌اند، از حساب ذخیره کاهش ارزش استفاده شود:

1. معیارهای مورد استفاده برای تعیین زمانی که مبلغ دفتری داراییهای مالی کاهش ارزش یافته، بطور مستقیم کاهش می‌یابد (یا در مورد برگشت کاهش ارزش، بطور مستقیم افزایش می‌یابد) و زمانی که حساب ذخیره کاهش ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و

2. معیارهای مورد استفاده برای حذف مبالغ مندرج در حساب ذخیره کاهش ارزش در مقابل مبلغ دفتری داراییهای مالی کاهش ارزش یافته (به بند 16 مراجعه شود).

ث. نحوه تعیین خالص سودها یا خالص زیانهای هر یک از طبقات ابزارهای مالی (به بند 20 (الف) مراجعه شود)؛ برای مثال، اینکه خالص سودها یا خالص زیانهای مربوط به اقلامی که به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اندازه‌گیری می‌شوند، شامل درآمد بهره یا درآمد سود تقسیمی می‌باشد یا خیر.

ج. معیارهایی که واحد تجاری برای تعیین وجود شواهد عینی مبنی بر وقوع کاهش ارزش، مورد استفاده قرار می‌دهد (به بند 20 (ث) مراجعه شود).

چ. هرگاه درباره شرایط داراییهای مالی که سررسید گذشته یا کاهش ارزش یافته محسوب می‌شوند، مجدداً مذاکره شود، رویه حسابداری داراییهای مالی که مشمول شرایط مذاکره مجدد است.

همچنین، طبق بند 122 استاندارد بین‌المللی حسابداری 1 (تجدیدنظرشده در سال 2007)، واحدهای تجاری باید در یادداشت خلاصه اهم رویه‌های حسابداری یا سایر یادداشتها، قضاوت‌های مدیریت در فرایند بکارگیری رویه‌های حسابداری واحد تجاری، به غیر از موارد مستلزم برآورد و قضاوت‌هایی که بیشترین تأثیر را بر مبالغ شناسایی‌شده در صورتهای مالی داشته است را افشا کنند.

#### ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی (بندهای 31 تا 42)

ب6. افشاهای الزامی طبق بندهای 31 تا 42، باید در صورتهای مالی یا از طریق عطف متقابل از صورتهای مالی به سایر صورتهای، مانند یادداشت مدیریت یا گزارش ریسک که با همان شرایط صورتهای مالی و در همان تاریخ در دسترس

استفاده‌کنندگان صورتهای مالی قرار می‌گیرد، ارائه شود. بدون اطلاعات ارائه‌شده با استفاده از عطف متقابل، صورتهای مالی کامل نیست.

#### افشای کمی (بند 34)

ب7. بند 34 (الف)، افشای خلاصه داده‌های کمی درباره آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسکها بر مبنای اطلاعات درون‌سازمانی ارائه‌شده به مدیران اصلی واحد تجاری را الزامی می‌کند. هرگاه واحد تجاری برای مدیریت آسیب‌پذیری از ریسک، چندین روش را مورد استفاده قرار دهد، باید اطلاعات را با استفاده از روش یا روشهایی افشا کند که مربوطترین و قابل‌اتکاترین اطلاعات را فراهم می‌کند. استاندارد بین‌المللی حسابداری 8 رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات درخصوص مربوط بودن و قابل‌اتکا بودن بحث می‌کند.

ب8. بند 34 (پ)، افشا درباره تمرکز ریسک را الزامی می‌کند. تمرکز ریسک، ناشی از ابزارهای مالی است که ویژگیهای مشابه دارند و بطور مشابهی تحت تأثیر تغییر در شرایط اقتصادی یا سایر شرایط قرار می‌گیرند. تشخیص تمرکز ریسک، مستلزم قضاوت با در نظر گرفتن شرایط واحد تجاری است. افشای تمرکز ریسک باید شامل موارد زیر باشد:

الف. تشریح نحوه تعیین تمرکزها توسط مدیریت؛

ب. تشریح ویژگیهای مشترکی که هر تمرکز را مشخص می‌کند (مانند طرف مقابل، حوزه جغرافیایی، واحد پول یا بازار)؛ و

پ. میزان آسیب‌پذیری از ریسک مرتبط با تمام ابزارهای مالی دارای آن ویژگی مشترک.

ب8الف تا ب8د. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

#### حداکثر آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری (بند 36 (الف))

ب9. بند 36 (الف)، افشای مبلغی که به بهترین شکل، بیانگر حداکثر میزان آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری است را الزامی می‌کند. این مبلغ برای یک دارایی مالی، عموماً برابر با مبلغ دفتری ناخالص، پس از کسر موارد زیر است:

الف. تمام مبالغ تهاتر شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 32؛ و

ب. هرگونه زیان کاهش ارزش شناسایی شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39.

ب10. فعالیتهایی که منجر به ریسک اعتباری می‌شود و حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری مربوط، شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نمی‌باشد:

الف. اعطای وام به مشتریان و سپرده‌گذاری نزد سایر واحدهای تجاری. در این موارد، حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری، معادل مبلغ دفتری داراییهای مالی مربوط است.

ب. انعقاد قراردادهای مشتقه، مانند قراردادهای مبادله ارزی، سوابهای نرخ بهره و ابزارهای مشتقه اعتباری. هرگاه دارایی ایجادشده، به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شود، حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری در پایان دوره گزارشگری، برابر با مبلغ دفتری خواهد بود.

پ. اعطای تضمینهای مالی. در این مورد، حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری، بیشترین مبلغی است که اگر تضمین به اجرا گذاشته شود، ممکن است واحد تجاری مجبور به پرداخت آن شود. مبلغ مزبور ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از مبلغ شناسایی شده به عنوان بدهی باشد.

ت. تعهدات وام که در طول عمر استفاده از آن، غیرقابل فسخ می‌باشد یا تنها در واکنش به تغییر نامطلوب با اهمیت، قابل فسخ می‌شود. اگر ناشر نتواند تعهدات وام را به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر تسویه کند، حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری برابر با مبلغ کامل تعهد است، زیرا مبلغ تعهدات خارج از ترانزنامه که ممکن است در آینده مورد استفاده قرار گیرد، مشخص نیست. این مبلغ ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از مبلغ شناسایی شده به عنوان بدهی باشد.

#### افشای کمی ریسک نقدینگی (بندهای 34 (الف) و 39 (الف) و (ب))

ب10 الف. طبق بند 34 (الف)، واحد تجاری خلاصه داده‌های کمی درباره آسیب‌پذیری از ریسک نقدینگی را بر مبنای اطلاعات درون‌سازمانی ارائه شده به مدیران اصلی افشا می‌کند. واحد تجاری باید نحوه تعیین این داده‌ها را توضیح دهد. در صورتی که جریانهای نقدی خروجی (یا دارایی مالی دیگری) منظور شده در آن داده‌ها:



الف. بسیار زودتر از انعکاس در آن داده‌ها، واقع شده باشد، یا

ب. مربوط به مبالغی بسیار متفاوت از مبالغ ارائه‌شده در آن داده‌ها باشد (برای مثال در مورد ابزار مشتقه‌ای که در داده‌های مربوط به تسویه به صورت خالص گنجانده شده است اما طرف مقابل، اختیار دارد تسویه ناخالص آن ابزار را الزامی نماید)،

واحد تجاری باید این موضوع را بیان کند و اطلاعات کمی را ارائه نماید که ارزیابی میزان این ریسک را برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی فراهم کند، مگر اینکه این اطلاعات در تجزیه و تحلیل سررسید قراردادی طبق بند 39(الف) یا (ب)، مد نظر قرار گرفته باشد.

ب11. هنگام تهیه تجزیه و تحلیل سررسید طبق بند 39(الف) و (ب)، واحد تجاری برای تعیین تعداد بازه‌های زمانی مناسب، از قضاوت خود استفاده می‌کند. برای مثال، ممکن است از نظر واحد تجاری بازه‌های زمانی زیر مناسب باشد:

الف. کمتر از یک ماه؛

ب. بین یک تا سه ماه؛

پ. بین سه ماه تا یک سال؛ و

ت. بین یک تا پنج سال.

ب11الف. طبق بند 39(الف) و (ب)، واحد تجاری نباید ابزار مشتقه تعبیه‌شده را از ابزار مالی مختلط جدا کند. برای چنین ابزاری، واحد تجاری باید بند 39(الف) را بکار گیرد.

ب11ب. طبق بند 39(ب)، در صورتی که سررسیدهای قراردادی برای درک زمانبندی جریانهای نقدي ضروری باشد، واحد تجاری باید تجزیه و تحلیل کمی سررسید بدهیهای مالی مشتقه را که نشان‌دهنده سررسیدهای قراردادی باقیمانده است، افشا کند. برای مثال، در موارد زیر ممکن است چنین شرایطی ایجاد شده باشد:

الف. سواپ نرخ بهره با سررسید باقیمانده پنج سال در مصون‌سازی جریانهای نقدي دارایی یا بدهی مالی با نرخ متغیر.

ب. تمام تعهدات وامها.

ب11پ. بند 39(الف) و (ب) واحد تجاری را ملزم می‌کند که تجزیه و تحلیل سررسید بدهیهای مالی، که سررسیدهای

قراردادی باقیمانده برای برخی بدهیهای مالی را نشان می‌دهد، را افشا کند. در این افشا:

الف. هنگامی که طرف مقابل، حق انتخاب زمان پرداخت را داشته باشد، بدهی به نزدیکترین دوره‌ای که ممکن است واحد تجاری ملزم به پرداخت شود تخصیص می‌یابد. برای مثال، بدهیهای مالی که واحد تجاری ممکن است با درخواست طرف مقابل (مانند سپرده‌های دیداری) ملزم به پرداخت آنها شود، در اولین بازه زمانی قرار می‌گیرند.

ب. هرگاه واحد تجاری متعهد به پرداخت مبالغ به صورت اقساطی باشد، هر قسط به اولین دوره‌ای که ممکن است واحد تجاری در آن دوره ملزم به پرداخت شود، تخصیص می‌یابد. برای مثال، تعهدات وام خارج از ترانزنامه، در بازه زمانی دربردارنده اولین تاریخی که ممکن است در آن تاریخ بازپرداخت شود، قرار می‌گیرد.

پ. برای قراردادهای تضمین مالی منتشرشده، حداکثر مبلغ تضمین به اولین دوره‌ای تخصیص می‌یابد که ممکن است در آن دوره تضمین به اجرا گذاشته شود.

ب11ت. مبالغ قراردادی افشاشده در تجزیه و تحلیل سررسید، که طبق بند 39 (الف) و (ب) الزامی شده است، جریانهای نقدی قراردادی تنزیل‌نشده است، برای مثال:

الف. تعهدات ناخالص اجاره تأمین مالی (قبل از کسر هزینه‌های تأمین مالی)؛

ب. قیمت‌های تعیین‌شده در موافقت‌نامه‌های آتی برای خرید نقدی داراییهای مالی؛

پ. مبالغ خالص برای پرداخت شناور/ دریافت ثابت سوابهای نرخ بهره‌ای که جریانهای نقدی خالص آنها مبادله می‌شود؛

ت. مبالغ قراردادی قابل مبادله در یک ابزار مالی مشتقه (برای مثال سواپ واحد پول) که با جریانهای نقدی ناخالص مبادله می‌شود؛ و

ث. تعهدات ناخالص وام.

این جریانهای نقدی تنزیل‌نشده، با مبالغی که در صورت وضعیت مالی ارائه می‌شود، تفاوت دارد زیرا مبالغ درج‌شده در آن صورت مالی، بر مبنای جریانهای نقدی تنزیل‌شده است. زمانی که مبلغ قابل پرداخت ثابت

نباشد، مبلغ افشاشده بر حسب شرایط موجود در پایان دوره گزارشگری تعیین می‌شود. برای مثال، زمانی که مبلغ قابل پرداخت با تغییرات شاخص تغییر می‌کند، مبلغ افشاشده ممکن است مبتنی بر سطح شاخص در پایان دوره باشد.

ب11ث. بند 39(پ) واحد تجاری را ملزم می‌کند نحوه مدیریت ریسک نقدینگی مربوط به اقلام افشاشده در افشاهای کمی الزامی طبق بند 39(الف) و (ب) را توضیح دهد. در صورتی که اطلاعات تجزیه و تحلیل سررسید داراییهای مالی نگهداری شده برای مدیریت ریسک نقدینگی (برای مثال، داراییهای مالی که به آسانی قابل فروش هستند یا انتظار می‌رود جریانهای نقدی ورودی برای تأمین جریانهای نقدی خروجی مربوط به بدهیهای مالی ایجاد کنند)، به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی در ارزیابی ماهیت و میزان ریسک نقدینگی کمک کند، واحد تجاری باید این اطلاعات را افشا نماید.

ب11ج. سایر عواملی که واحد تجاری در ارائه افشاهای الزامی طبق بند 39(پ) مدنظر قرار می‌دهد شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نمی‌باشد:

الف. آیا واحد تجاری برای تأمین نیازهای نقدینگی می‌تواند به تسهیلات اعتباری تعهدشده (مانند تسهیلات اسناد تجاری) یا سایر خطوط اعتباری (مانند تسهیلات اعتباری با مقاصد خاص) دسترسی داشته باشد؛

ب. آیا واحد تجاری برای تأمین نیازهای نقدینگی، سپرده‌هایی را نزد بانکهای مرکزی نگهداری می‌کند؛

پ. آیا واحد تجاری منابع تأمین مالی بسیار متنوعی دارد؛

ت. آیا واحد تجاری تمرکز ریسک نقدینگی قابل ملاحظه‌ای در داراییها یا منابع تأمین مالی خود دارد؛

ث. آیا واحد تجاری برای مدیریت ریسک نقدینگی، از فرایندهای کنترل داخلی و طرحهای احتمالی برخوردار است؛

ج. آیا واحد تجاری از ابزارهایی که دربردارنده شرایط بازپرداخت سریع می‌باشد، برخوردار است (برای مثال در زمان کاهش رتبه اعتباری واحد تجاری)؛

چ. آیا واحد تجاری ابزارهایی دارد که بتواند انتقال وثیقه را الزامی کند (برای مثال تقاضای سپرده بابت ابزارهای مشتقه)؛

ح. آیا واحد تجاری ابزارهایی دارد که به آن واحد اجازه دهد بین تسویه بدهیهای مالی از طریق تحویل نقد (یا دارایی مالی دیگر) یا از طریق تحویل سهام خود، انتخاب کند؛

خ. آیا واحد تجاری ابزارهایی دارد که مشمول توافقیهای خالصسازی جامع شود.

ب12 تا ب16. [حذف شد]

#### ریسک بازار- تحلیل حساسیت (بندهای 40 و 41)

ب17. بند 40 (الف)، تحلیل حساسیت را برای هر یک از انواع ریسکهای بازار که واحد تجاری در معرض آن قرار دارد، الزامی می‌کند. طبق بند ب3، واحد تجاری درباره چگونگی تجمیع اطلاعات برای ارائه تصویر کلی بدون ترکیب اطلاعات برخوردار از ویژگیهای متفاوت درباره آسیبپذیری از ریسکهای ناشی از محیطهای اقتصادی بسیار متفاوت، تصمیم‌گیری می‌کند. برای مثال:

الف. واحد تجاری که ابزارهای مالی را معامله می‌کند، ممکن است این اطلاعات را برای ابزارهای مالی نگهداری شده برای مبادله و ابزارهای مالی که برای مبادله نگهداری نشده‌اند، بطور جداگانه افشا نماید.

ب. واحد تجاری، آسیبپذیری از ریسکهای بازار ناشی از حوزه‌های با تورم حاد را با آسیبپذیری خود از همان ریسکهای بازار در حوزه‌های با تورم بسیار اندک، تجمیع نمی‌کند.

اگر واحد تجاری تنها در معرض یک نوع ریسک بازار در یک محیط اقتصادی قرار گیرد، اطلاعات را به صورت تفکیک‌شده نشان نمی‌دهد.

ب18. بند 40 (الف)، تحلیل حساسیت را برای نشان دادن تأثیر تغییرات محتمل و معقول متغیر ریسک مربوط (مانند نرخهای بهره رایج در بازار، نرخهای ارز، قیمت سهام یا قیمت‌های کالا) بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه الزامی می‌کند. به همین منظور:

الف. واحدهای تجاری ملزم به تعیین سود یا زیان دوره با فرض متفاوت بودن متغیرهای ریسک مربوط، نیستند. در مقابل، واحدهای تجاری با این فرض که تغییر

محتمل و معقول در متغیر ریسک مربوط در پایان دوره گزارشگری اتفاق افتاده و بر میزان آسیبپذیری از ریسک موجود در آن تاریخ اثر گذاشته است، اثر آن را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه در پایان دوره گزارشگری افشا می‌کنند. برای مثال، اگر واحد تجاری در پایان سال بدهی با نرخ شناور داشته باشد، اثر آن بر سود یا زیان (یعنی هزینه بهره) سال جاری را با این فرض که نرخهای بهره با مبالغ محتمل و معقول تغییر می‌کند، افشا می‌نماید.

ب. واحدهای تجاری ملزم نیستند که اثر هر تغییر در متغیر ریسک مربوط، که در دامنه تغییرات محتمل و معقول است، را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه افشا کنند. افشای آثار تغییرات در محدوده دامنه محتمل و معقول، کافی است.

ب19. برای تعیین اینکه کدام تغییرات، تغییر محتمل و معقول در متغیر ریسک مربوط تلقی می‌شود، واحد تجاری باید موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. محیطهای اقتصادی که در آن فعالیت می‌کند. تغییر محتمل و معقول، نباید شامل وضعیتهای بعید یا "بدترین مورد" یا "آزمونهای تنش" باشد. افزون بر این، اگر نرخ تغییر در متغیر ریسک مربوط، ثابت باشد، ضرورتی ندارد واحد تجاری در تغییر محتمل و معقول متغیر ریسک انتخابی، تغییر ایجاد کند. برای مثال، فرض کنید که نرخ بهره 5 درصد است و واحد تجاری نوسان محتمل و معقول نرخ بهره را  $\pm 0/5$  واحد مبنا تعیین کرده است. در صورت تغییر نرخ بهره به  $4/5$  درصد یا  $5/5$  درصد، واحد تجاری اثر این تغییر را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه افشا می‌کند. در دوره بعد، نرخهای بهره به  $5/5$  درصد افزایش می‌یابد. واحد تجاری همچنان بر این باور است که نوسان نرخ بهره  $\pm 0/5$  واحد مبنا است (یعنی نرخ تغییر در نرخ بهره ثابت است). واحد تجاری در صورت تغییر نرخ بهره به 5 درصد یا 6 درصد، اثر این تغییر را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه افشا می‌کند. واحد تجاری ملزم نیست که در ارزیابی خود از نوسان محتمل و معقول  $\pm 0/5$  درصدی در نرخهای بهره، تجدیدنظر به عمل آورد، مگر اینکه شواهدی وجود داشته باشد که نشان دهد نرخ بهره به میزان قابل ملاحظه‌ای نوسان‌پذیرتر شده است.

ب. چارچوب زمانی که ارزیابی در آن انجام می‌شود. تحلیل حساسیت باید آثار تغییراتی که در آن دوره محتمل و معقول به نظر می‌رسد را تا زمانی که واحد تجاری این تغییرات را در آینده افشا می‌کند، که معمولاً دوره گزارشگری سالانه بعدی است، نشان دهد.

ب20. طبق بند 41، در صورتی که واحد تجاری از تحلیل حساسیت برای مدیریت آسیب‌پذیری از ریسک‌های مالی استفاده کند، مجاز است از نوعی تحلیل حساسیت، مانند روش ارزش در معرض ریسک، که وابستگی متقابل بین متغیرهای ریسک را انعکاس می‌دهد، استفاده کند. این کار حتی در صورتی که روش مزبور تنها احتمال زیان را اندازه‌گیری نماید و احتمال سود را اندازه‌گیری نکند، کاربرد دارد. این واحد تجاری ممکن است به منظور تطابق با بند 41(الف)، نوع مدل ارزش در معرض ریسک مورد استفاده (برای مثال، اینکه مدل مورد استفاده، وابسته به شبیه‌سازی مونت‌کارلو است یا خیر)، تشریح نحوه کاربرد مدل و مفروضات اصلی آن (مانند دوره نگهداری و سطح اطمینان) را افشا کند. همچنین واحدهای تجاری می‌توانند دوره تاریخی مشاهده و وزنهای اختصاص داده‌شده به مشاهدات آن دوره، تشریح نحوه برخورد با گزینه‌های انتخابی در محاسبات و نوع نوسانها و همبستگیهای مورد استفاده (یا به عنوان راهکار جایگزین، شبیه‌سازی توزیع احتمال مونت‌کارلو) را افشا کنند.

ب21. واحد تجاری باید تحلیل حساسیت را برای کل فعالیتهای تجاری خود ارائه نماید، اما ممکن است انواع متفاوتی از تحلیل حساسیت را برای طبقات مختلف ابزارهای مالی ارائه کند.

#### ریسک نرخ بهره

ب22. ریسک نرخ بهره، ناشی از ابزارهای مالی بهره‌دار شناسایی‌شده در صورت وضعیت مالی (مانند وامها و دریافتنی‌ها و ابزارهای بدهی منتشرشده) و برخی ابزارهای مالی شناسایی‌نشده در صورت وضعیت مالی (مانند برخی تعهدات وام)، می‌باشد.

#### ریسک واحد پول

ب23. ریسک واحد پول (یا ریسک مبادله ارزی) ناشی از ابزارهای مالی است که برحسب ارز، یعنی واحد پولی غیر از واحد پول عملیاتی بیان می‌شوند. در این استاندارد، ریسک واحد پول، ناشی از ابزارهای مالی که اقلام غیرپولی

هستند یا ابزارهای مالی که برحسب واحد پول عملیاتی بیان می‌شوند، نمی‌باشد.

ب24. برای هر واحد پولی که واحد تجاری به میزان قابل ملاحظه‌ای در معرض ریسک آن قرار می‌گیرد، تحلیل حساسیت افشا می‌شود.

#### ریسک سایر قیمت‌ها

ب25. ریسک سایر قیمت‌ها، به علت تغییر در مواردی مانند قیمت‌های کالا یا قیمت حقوق مالکانه، در ارتباط با ابزارهای مالی ایجاد می‌شود. واحد تجاری به منظور انطباق با بند 40، ممکن است اثر کاهش در شاخص بازار سهام، قیمت کالا یا متغیر دیگر ریسک را افشا کند. برای مثال، اگر واحد تجاری بابت ارزش باقیمانده دارایی‌ها تضمین‌هایی ارائه نماید که خود، ابزار مالی باشند، هرگونه افزایش یا کاهش در ارزش دارایی‌های تضمین‌شده افشا می‌شود.

ب26. دو نمونه از ابزارهای مالی که منجر به ریسک قیمت ابزارهای مالکانه می‌شود، عبارتند از (الف) در اختیار داشتن ابزارهای مالکانه واحد تجاری دیگر و (ب) سرمایه‌گذاری در صندوقی که اقدام به نگهداری سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه می‌کند. مثال‌های دیگر شامل پیمان‌های آتی و اختیارهای خرید یا فروش تعداد مشخصی از یک نوع ابزار مالکانه و سوابهای وابسته به قیمت حقوق مالکانه است. ارزش منصفانه چنین ابزارهای مالی، تحت تأثیر تغییرات در قیمت بازار ابزارهای مالکانه پایه است.

ب27. طبق بند 40 (الف)، حساسیت سود یا زیان دوره (که برای مثال، ناشی از ابزارهای اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره یا کاهش ارزش دارایی‌های مالی آماده برای فروش است)، جدا از حساسیت حقوق مالکانه (که برای مثال، ناشی از سرمایه‌گذاری در ابزارهای طبقه‌بندی‌شده به عنوان آماده برای فروش است) افشا می‌شود.

ب28. ابزارهای مالی که واحد تجاری آنها را به عنوان ابزارهای مالکانه طبقه‌بندی می‌کند، تجدید اندازه‌گیری نمی‌شوند. سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه، هیچ یک تحت تأثیر ریسک قیمت آن ابزارها قرار نمی‌گیرد. بر این اساس، نیازی به انجام تحلیل حساسیت نمی‌باشد.

قطع شناخت (بندهای 42 پ تا 42 ح)

### مشارکت مستمر (بند 42پ)

ب29. برای مقاصد الزامات افشای مندرج در بندهای 42 تا 42ح، ارزیابی مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال‌یافته، در سطح واحد گزارشگر صورت می‌گیرد. برای مثال، اگر واحد تجاری فرعی، دارایی مالی را که واحد تجاری اصلی مشارکت مستمر در آن دارد، به شخص ثالث غیروابسته انتقال دهد، واحد تجاری فرعی، مشارکت مستمر واحد تجاری اصلی را در ارزیابی اینکه مشارکت مستمر در دارایی انتقال‌یافته دارد یا خیر، در صورتهای مالی جداگانه یا منفرد خود مد نظر قرار نمی‌دهد (یعنی زمانی که واحد تجاری فرعی واحد گزارشگر باشد). با وجود این، واحد تجاری اصلی، مشارکت مستمر خود (یا مشارکت مستمر عضو دیگری از گروه) در دارایی مالی انتقال‌یافته توسط واحد تجاری فرعی را، برای تعیین اینکه در دارایی انتقال‌یافته، مشارکت مستمر دارد یا خیر، در صورتهای مالی تلفیقی مد نظر قرار می‌دهد (یعنی زمانی که واحد گزارشگر، گروه است).

ب30. در صورتی که، به عنوان بخشی از انتقال، واحد تجاری هیچ‌گونه حقوق یا تعهدات قراردادی مرتبط با دارایی مالی انتقال‌یافته را حفظ نکند و هیچ‌گونه حقوق یا تعهدات قراردادی جدیدی در ارتباط با دارایی مالی انتقال‌یافته به دست نیآورد، واحد تجاری مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال‌یافته ندارد. در صورتی که واحد تجاری هیچ‌گونه منافعی در عملکرد آتی دارایی مالی انتقال‌یافته نداشته باشد و تحت هیچ شرایطی، در آینده مسئولیتی برای پرداخت در ارتباط با دارایی مالی انتقال‌یافته نداشته باشد، واحد تجاری مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال‌یافته ندارد. اصطلاح "پرداخت" در این متن، شامل جریانهای نقدی دارایی مالی انتقال‌یافته که واحد تجاری وصول می‌کند و ملزم است آن را به انتقال‌گیرنده پرداخت نماید، نمی‌باشد.

ب30 الف. هنگامی که واحد تجاری یک دارایی مالی را انتقال می‌دهد، ممکن است حق ارائه خدمت به آن دارایی مالی را در ازای دریافت کارمزدی که برای مثال در یک قرارداد خدماتی درج می‌شود، حفظ کند. واحد تجاری، قرارداد خدماتی را طبق رهنمود مندرج در بندهای 42پ و ب30 ارزیابی می‌کند تا تعیین نماید که برای مقاصد الزامات افشا، در نتیجه این قرارداد خدماتی مشارکت مستمر دارد یا خیر. برای مثال، در صورتی که کارمزد ارائه خدمت، وابسته به مبلغ یا زمانبندی جریانهای



نقدی وصول‌شده از دارایی مالی انتقال‌یافته باشد، ارائه‌دهنده خدمت برای مقاصد الزامات افشا، مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال‌یافته خواهد داشت. همچنین، در صورتی که به دلیل عدم ایفای تعهد دارایی مالی انتقال‌یافته، کارمزد ثابت بطور کامل پرداخت نشود، ارائه‌دهنده خدمت، برای مقاصد الزامات افشا از مشارکت مستمر برخوردار است. در این مثالها، ارائه‌دهنده خدمت در عملکرد آتی دارایی مالی انتقال‌یافته، منافی دارد. این ارزیابی، مستقل از این است که آیا انتظار می‌رود کارمزدی که قرار است دریافت شود، به میزان کافی ایفای خدمات را جبران کند یا خیر.

ب31. مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال‌یافته، ممکن است ناشی از شرایط قراردادی مندرج در توافق انتقال یا توافق جداگانه با انتقال‌گیرنده یا شخص ثالثی که در ارتباط با انتقال ورود کرده است، باشد.

#### **داراییهای مالی انتقال‌یافته که بطور کامل قطع شناخت نمی‌شوند (بند 42ت)**

ب32. طبق بند 42ت، در صورتی که تمام داراییهای مالی انتقال‌یافته یا قسمتی از آنها، حائز شرایط قطع شناخت نشوند، برخی موارد افشا الزامی می‌شود. این افشا، صرفنظر از زمان انتقال، در هر تاریخ گزارشگری که واحد تجاری همچنان به شناخت داراییهای مالی انتقال‌یافته ادامه می‌دهد، الزامی است.

#### **انواع مشارکت مستمر (بندهای 42ث تا 42ح)**

ب33. طبق بندهای 42ث تا 42ح، افشاهای کمی و کیفی برای هر نوع مشارکت مستمر در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده، الزامی است. واحد تجاری باید مشارکت مستمر خود را در انواع مشارکتهایی تجمیع کند که بیانگر آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسکها باشد. برای مثال، ممکن است واحد تجاری مشارکت مستمر خود را بر اساس نوع ابزار مالی (برای مثال تضمینها یا اختیارهای خرید) یا بر اساس نوع انتقال (برای مثال فروش دریافتنی‌ها، به وثیقه‌گذاشتن اوراق بهادار یا قرض دادن اوراق بهادار) تجمیع کند.

#### **تجزیه و تحلیل سررسید جریانهای نقدی خروجی تنزیل‌نشده برای بازخرید داراییهای انتقال‌یافته (بند 42ث(ث))**

ب34. طبق بند 42ث(ث)، واحد تجاری باید تجزیه و تحلیل سررسید جریانهای نقدی خروجی تنزیل‌نشده به منظور

بازخرید داراییهای مالی قطع شناخت‌شده یا سایر مبالغ قابل پرداخت به انتقال‌گیرنده در ارتباط با داراییهای مالی انتقال‌یافته را افشا کند و سررسیدهای قراردادی باقیمانده مربوط به مشارکت مستمر واحد تجاری را نشان دهد. این تجزیه و تحلیل، بین جریانهای نقدی که الزاماً باید پرداخت شود (مانند پیمانهای آتی)، جریانهای نقدی که ممکن است واحد تجاری ملزم به پرداخت شود (مانند اختیارات فروش صادرشده) و جریانهای نقدی که ممکن است واحد تجاری پرداخت آنها را انتخاب نماید (مانند اختیارات خرید خریداری‌شده)، تمایز قائل می‌شود.

ب35. واحد تجاری برای تعیین تعداد مناسب بازه‌های زمانی به منظور تهیه تجزیه و تحلیل سررسید طبق بند 42(ث) (ث)، باید از قضاوت خود استفاده کند. برای مثال، ممکن است واحد تجاری بازه‌های زمانی زیر را مناسب تشخیص دهد:

الف. کمتر از یک ماه؛

ب. بین یک ماه تا سه ماه؛

پ. بین سه ماه تا شش ماه؛

ت. بین شش ماه تا یک سال؛

ث. بین یک سال تا سه سال؛

ج. بین سه سال تا پنج سال؛

چ. بیش از پنج سال.

ب36. در صورتی که دامنه‌ای از سررسیدهای محتمل وجود داشته باشد، جریانهای نقدی بر مبنای نزدیکترین تاریخی که واحد تجاری ملزم یا مجاز به پرداخت است، در نظر گرفته می‌شود.

#### اطلاعات کیفی (بند 42 ث ج)

ب37. اطلاعات کیفی که طبق بند 42(ج) الزامی می‌شود، شرحی از داراییهای مالی قطع شناخت‌شده و ماهیت و هدف مشارکت مستمر حفظ‌شده پس از انتقال داراییها را شامل می‌شود. این اطلاعات، تشریح ریسک‌هایی از جمله موارد زیر است که واحد تجاری در معرض آن قرار می‌گیرد:

الف. تشریح نحوه مدیریت ریسک مرتبط با مشارکت مستمر در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده.

ب. اینکه واحد تجاری ملزم به تحمل زیانها قبل از طرفهای مقابل است یا خیر، و رتبه‌بندی و مبلغ زیانهای تحمل‌شده توسط طرفهایی که منافع آنها در

رتبه پایینتری نسبت به منافع واحد تجاری در دارایی قرار می‌گیرد (یعنی مشارکت مستمر آن در دارایی).  
پ. تشریح هرگونه عامل مرتبط با تعهد به ارائه پشتیبانی مالی یا تعهد به بازخرید دارایی مالی انتقال‌یافته.

#### سود یا زیان قطع شناخت (بند 42 ج الف)

ب38. طبق بند 42 ج الف، واحد تجاری باید سود یا زیان قطع شناخت داراییهای مالی که واحد تجاری در آنها مشارکت مستمر دارد را افشا کند. در صورتی که سود یا زیان قطع شناخت، به دلیل تفاوت بین ارزش منصفانه اجزای دارایی شناسایی‌شده در گذشته (یعنی منافع در دارایی قطع شناخت‌شده و منافع حفظ‌شده توسط واحد تجاری) و ارزش منصفانه کل دارایی شناسایی‌شده در گذشته ایجاد شود، واحد تجاری باید این موضوع را افشا کند. در چنین شرایطی، واحد تجاری همچنین باید افشا کند که آیا اندازه‌گیری ارزش منصفانه طبق توصیف بند 27 الف، شامل داده‌های ورودی با اهمیت مبتنی بر داده‌های غیرقابل مشاهده در بازار می‌باشد یا خیر.

#### اطلاعات تکمیلی (بند 42 ج)

ب39. افشاهای الزامی طبق بندهای 42 تا 42 ج، ممکن است برای دستیابی به اهداف افشا مندرج در بند 42 ب، کافی نباشد. در اینگونه موارد، واحد تجاری باید هرگونه اطلاعات اضافی که برای دستیابی به اهداف افشا ضروری می‌باشد را افشا کند. واحد تجاری باید با توجه به شرایط خود تصمیم بگیرد که چه میزان اطلاعات اضافی برای تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان لازم است و تا چه میزان باید بر ابعاد مختلف اطلاعات اضافی تأکید کند. ایجاد توازن بین صورتهای مالی حاوی جزئیات بسیار زیاد که ممکن است به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی کمک نکند و پنهان کردن اطلاعات در نتیجه تجمیع بیش از اندازه اطلاعات، ضروری است.

#### تهاتر داراییهای مالی و بدهیهای مالی (بندهای 13 الف تا 13 ج)

##### دامنه کاربرد (بند 13 الف)

ب40. موارد افشای مندرج در بندهای 13 ب تا 13 ث، برای تمام ابزارهای مالی شناسایی‌شده که طبق بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 تهاتر می‌شوند، الزامی است. افزون بر این، در صورتی که ابزارهای مالی، مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال یا موافقتنامه مشابهی که ابزارها و معاملات مالی مشابه را دربرمی‌گیرد،

باشند، صرفنظر از اینکه ابزارهای مالی طبق بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 تهاثر شوند یا خیر، آن ابزارهای مالی در دامنه الزامات افشای مندرج در بندهای 13ب تا 13ث قرار می‌گیرند.

ب41. موافقتنامه‌های مشابه که در بندهای 13الف و ب40 به آنها اشاره شد، شامل موافقتنامه‌های پایای مشتقه، موافقتنامه‌های بازخرید جامع جهانی، موافقتنامه‌های جامع قرض دادن اوراق بهادار در سطح جهانی و هر گونه حقوق نسبت به وثیقه مالی است. ابزارها و معاملات مالی مشابه که در بند ب40 به آنها اشاره شد شامل ابزارهای مشتقه، موافقتنامه‌های فروش و بازخرید، موافقتنامه‌های فروش و بازخرید معکوس، قرض گرفتن اوراق بهادار، و موافقتنامه‌های قرض دادن اوراق بهادار است. نمونه‌هایی از ابزارهای مالی که در دامنه کاربرد بند 13الف قرار نمی‌گیرد، شامل وامها و سپرده‌های مشتریان در یک مؤسسه (مگر اینکه در صورت وضعیت مالی تهاثر شوند)، و ابزارهای مالی که تنها، موضوع موافقتنامه وثیقه هستند، می‌باشد.

افشای اطلاعات کیفی برای داراییهای مالی شناسایی‌شده و بدهیهای مالی شناسایی‌شده در دامنه کاربرد بند 13الف (بند 13پ)

ب42. ابزارهای مالی که طبق بند 13پ افشا می‌شوند، ممکن است مشمول الزامات اندازه‌گیری متفاوتی باشند (برای مثال، مبلغ پرداختی مربوط به یک موافقتنامه بازخرید ممکن است به بهای مستهلک شده اندازه‌گیری شود، در حالی که ابزار مشتقه به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود). واحد تجاری باید ابزارها را به مبلغ شناسایی‌شده افشا کند و هرگونه تفاوت حاصل از اندازه‌گیری را در افشاهای مربوط توضیح دهد.

افشای مبالغ ناخالص داراییهای مالی شناسایی‌شده و بدهیهای مالی شناسایی‌شده در دامنه کاربرد بند 13الف (بند 13پالف)

ب43. مبالغ مورد درخواست بند 13پالف، در ارتباط با ابزارهای مالی شناسایی‌شده‌ای است که طبق بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 تهاثر می‌شوند. همچنین، مبالغ مورد درخواست بند 13پالف، مربوط به ابزارهای مالی شناسایی‌شده‌ای است که، صرفنظر از احراز معیارهای تهاثر، مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال یا موافقتنامه‌های مشابه می‌باشند. با وجود این، افشاهای الزامی طبق بند 13پالف با مبالغ شناسایی‌شده در نتیجه موافقتنامه‌های وثیقه که معیارهای تهاثر مندرج در بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را

احراز نمی‌کنند، ارتباطی ندارد. در مقابل، این مبالغ باید طبق بند 13پ(ت) افشا شود.

**افشای مبالغی که طبق معیارهای مندرج در بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، تهاتر می‌شوند (بند 13پ(ب))**

ب44. طبق بند 13پ(ب)، واحدهای تجاری باید مبالغ تهاتر شده طبق بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را هنگام تعیین مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعیت مالی، افشا کنند. مبالغ داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده که طبق توافق یکسانی مشمول تهاتر هستند، هم جزء موارد افشای دارایی مالی و هم جزء موارد افشای بدهی مالی، افشا خواهند شد. با وجود این، مبالغ افشاشده (برای مثال، در یک جدول) محدود به مبالغی است که مشمول تهاتر می‌شوند. برای مثال، ممکن است واحد تجاری دارایی مشتقه شناسایی شده و بدهی مشتقه شناسایی شده‌ای داشته باشد که معیارهای تهاتر در بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز می‌کنند. در صورتی که مبلغ ناخالص دارایی مشتقه بزرگتر از مبلغ ناخالص بدهی مشتقه باشد، جدول افشای دارایی مالی، شامل مبلغ کل دارایی مشتقه (طبق بند 13پ(الف)) و مبلغ کل بدهی مشتقه (طبق بند 13پ(ب)) خواهد بود. با وجود این، در حالی که جدول افشای بدهی مالی دربرگیرنده مبلغ کل بدهی مشتقه خواهد بود (طبق بند 13پ(الف))، تنها مبلغی از دارایی مشتقه در این جدول نشان داده خواهد شد (طبق بند 13پ(ب)) که با مبلغ بدهی مشتقه برابر باشد.

**افشای مبالغ خالص ارائه شده در صورت وضعیت مالی (بند 13پ(ب))**

ب45. در صورتی که واحد تجاری ابزارهایی داشته باشد که در دامنه کاربرد این موارد افشا (الزامی طبق بند 13الف) قرار گیرند، اما معیارهای تهاتر طبق بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز نکنند، مبالغی که طبق بند 13پ(ب) باید توسط واحد تجاری افشا شود با مبالغی که واحد تجاری طبق بند 13پ(الف) ملزم به افشای آن است، برابر می‌باشد.

ب46. مبالغی که طبق بند 13پ(ب) افشای آنها الزامی است، باید با مبالغ اقلام اصلی ارائه شده در صورت وضعیت مالی تطبیق داده شود. برای مثال، در صورتی که واحد تجاری تشخیص دهد تجمیع یا عدم تجمیع مبالغ اقلام اصلی یک صورت مالی، اطلاعات مربوطتری فراهم می‌کند، باید مبالغ تجمیعی یا تجمیع نشده افشاشده در بند 13پ(ب) را با

مبالغ اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعیت مالی، تطبیق دهد.

افشای مبالغ مشمول توافق خالصسازی جامع قابل اعمال یا توافق مشابه، که به طریقی دیگر در بند 13پ(ب) منظور نمی‌شوند (بند 13پ(ت))

ب47. طبق بند 13پ(ت)، واحدهای تجاری باید مبالغی را که مشمول توافق خالصسازی جامع قابل اعمال یا توافقی مشابه می‌باشند، اما به طریقی دیگر در بند 13پ(ب) منظور نمی‌شوند، را افشا کنند. بند 13پ(ت) (1)، به مبالغ مربوط به ابزارهای مالی شناسایی‌شده‌ای اشاره می‌کند که تمام یا برخی از معیارهای تهاتر مندرج در بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز نمی‌کنند (برای مثال، حقوق فعلی تهاتر که معیار تهاتر اشاره‌شده در بند 42پ(ب) استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز نمی‌کند، یا حقوق مشروط تهاتر که تنها در صورت نکول، یا تنها در صورت عدم توانایی در بازپرداخت بدهیها یا ورشکستگی هر یک از طرفین، قابل اجرا و قابل اعمال است).

ب48. بند 13پ(ت) (2)، به مبالغ مربوط به وثیقه مالی، شامل وثیقه نقدی دریافت‌شده و به رهن گذاشته‌شده، اشاره می‌کند. واحد تجاری باید ارزش منصفانه ابزارهای مالی که به عنوان وثیقه به رهن گذاشته شده‌اند یا دریافت شده‌اند را افشا کند. مبالغ افشا شده طبق بند 13پ(ت) (2)، باید با وثیقه واقعی دریافت‌شده یا به رهن گذاشته‌شده، و نه با پرداختنی‌ها یا دریافتنی‌های شناسایی‌شده برای برگشت یا دریافت این وثیقه، در ارتباط باشد.

محدودیت‌های مربوط به مبالغ افشا شده در بند 13پ(ت) (بند 13ت)

ب49. هنگام افشای مبالغ طبق بند 13پ(ت)، واحد تجاری باید آثار وثیقه گذاشتن بیش از حد نیاز توسط ابزار مالی را در نظر بگیرد. برای این منظور، واحد تجاری باید در ابتدا مبالغ افشا شده طبق بند 13پ(ت) (1) را از مبلغ افشا شده طبق بند 13پ(پ) کسر نماید. سپس، واحد تجاری باید مبالغ افشا شده طبق بند 13پ(ت) (2) را به مبلغ باقیمانده در بند 13پ(پ) برای ابزارهای مالی مربوط محدود سازد. با وجود این، در صورتی که حقوق نسبت به وثیقه، از طریق ابزارهای مالی قابل اعمال باشد، چنین حقوقی می‌تواند در افشاهای ارائه‌شده طبق بند 13ت منظور شود.

تشریح حقوق تهاتر مشمول توافقه‌های خالصسازی جامع قابل اعمال و توافقه‌های مشابه (بند 13ث)

ب50. واحد تجاری باید انواع حقوق تهاتر و توافقه‌های مشابه افشاشده طبق بند 13پ(ت)، شامل ماهیت این حقوق، را توصیف کند. برای مثال، واحد تجاری باید حقوق مشروط خود را تشریح نماید. برای ابزارهای مشمول حقوق تهاتر که مشروط به رویداد آتی نیستند اما سایر معیارهای باقیمانده مندرج در بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز نمی‌کنند، واحد تجاری باید دلیل (دلایل) عدم احراز آن معیارها را بیان کند. برای هر وثیقه مالی دریافت‌شده یا به رهن گذاشته‌شده، واحد تجاری باید شرایط موافقتنامه وثیقه را توصیف کند (برای مثال، زمانی که وثیقه محدود می‌شود).

افشا برحسب نوع ابزار مالی یا برحسب طرف مقابل

ب51. افشاهای کمی الزامی طبق بند 13پ(الف) تا (ث)، ممکن است برحسب نوع ابزار مالی یا معامله گروه‌بندی شود (برای مثال، ابزارهای مشتقه، موافقتنامه‌های بازخرید و بازخرید معکوس یا موافقتنامه‌های قرض گرفتن اوراق بهادار یا قرض دادن اوراق بهادار).

ب52. به عنوان راهکار جایگزین، واحد تجاری می‌تواند افشاهای کمی الزامی طبق بند 13پ(الف) تا (پ) را برحسب نوع ابزار مالی، و افشاهای کمی الزامی طبق بند 13پ(پ) تا (ث) را برحسب طرف مقابل گروه‌بندی کند. در صورتی که واحد تجاری اطلاعات الزامی را برحسب طرف مقابل ارائه کند، ملزم به مشخص نمودن طرف مقابل برحسب نام نیست. اما، طبقه‌بندی طرفهای مقابل (طرف الف، طرف ب، طرف پ، غیره) برای حفظ قابلیت مقایسه در سالهای ارائه‌شده، باید در سالهای مختلف یکنواخت باشد. موارد افشای کیفی باید به گونه‌ای در نظر گرفته شود که بتوان اطلاعات بیشتری درباره انواع طرفهای مقابل ارائه داد. زمانی که افشای مبالغ مندرج در بند 13پ(پ) تا (ث) برحسب طرف مقابل ارائه می‌شود، مبالغی که به تنهایی نسبت به کل مبلغ طرف مقابل حائز اهمیت است، باید جداگانه افشا شود و مبالغ باقیمانده طرف مقابل که به تنهایی با اهمیت نمی‌باشد، باید به عنوان یک قلم اصلی با یکدیگر جمع شوند.

سایر

ب53. موارد افشای خاصی که طبق بندهای 13پ تا 13ث الزامی است، حداقل الزامات هستند. برای دستیابی به هدف بند 13ب، واحد تجاری با توجه به شرایط توافقه‌های خالصسازی

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7  
ابزارهای مالی: افشا

جامع قابل اعمال و موافقتنامه‌های مربوط، شامل ماهیت حقوق تهاثر و آثار بالفعل یا بالقوه آنها بر وضعیت مالی واحد تجاری، ممکن است نیاز به تکمیل آنها با افشاهای بیشتر (کیفی) داشته باشد.